کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
اهدائی بنیاد شهید انقلاب اسلامی
به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

فقه فارسی یا کتاب شرعیات

دوره دوم و سیم

در اصول دین و عبادات و تجارت و شرکت

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

و ارث

تألیف

جناب شریعتمدار آقای میرزا سید محمد قمی

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
۳۹۱۸۹
شماره ثبت موقت
تاریخ

سال پنجم ششم

مطابق پروگرام وزارت جلیله معارف

کتابخانه اقبال
LIBRAIRIE IKBAL

چاپ پنجم

حق طبع مخصوص است بکتابخانه اقبال

۱۳۳۵

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: فقه فارسی یا کتاب شرعیات دوره دوم و سیم
مولف: میرزا سید محمد قمی
موضوع: تعلیمات دینی . اخلاق — زبان: فارسی
سال چاپ: ۱۳۳۵ق — محل چاپ: تهران
کاتب: جمال الدین اصفهانی
طول: ۱۶ — عرض: ۱۰ — شماره صفحه ها: ۱۲۷ صفحه
شماره عمومی: ۲۸۸۷۶ — کتابخانه / بخش:
وقفی ~~خریداری~~ اهدایی بنیاد شهید — تاریخ:
مصور ☐ درسی ☒ گراوری ☐ افست ☐
ملاحظات:
برای سال پنجم ششم

کتاب

شرعیات یا مختصر فقه فارسی

دوره دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

وبعد الحمد والصلوة چون فقه فارسی یا شرعیات تألیف جناب شریعتمدار آقای میرزا سید محمد قمی مد ظله که سابق براین طبع شده مشتمل بود بر تمام دوره فقه و باین جهت ابواب آن زیاده از پروگرام بود لهذا بنا بر خواهش مدیران محترم مدارس بملاحظه رعایت حال شاگردان اینکه اضافه پروگرام را لازم ندارند مجبور بخریدن آن نباشند مواد پروگرام در یکجلد قرار داده شد و ما بقی در جلد دیگر

بنابراین جلد اول مشتمل است بر کتاب اول از شرعیات در اصول دین و کتاب دوم در عبادات - و باب ... از کتاب سوم و ارث از کتاب چهارم و برای یکجلد پروگرام حکمت مرتب از عبادات نیز در ذیل آن درج گردید

نام کتاب
مؤلف
موضوع
سال چاپ
کاتب
طول
شماره عمو
وقفی/خری
مصور
ملاحظات
برای

درس اول

مقدمه

شرعیات مسائل و احکامی است که از طرف دین و مذهب مقرر شده است

شرعیات بر دو قسم است: اول اصول دین و مذهب یعنی چیزهائیکه باید انسان آنها را دانسته و اعتقاد کرده دوم فروع دین یعنی چیزهائیکه باید انسان آنها را دانسته و عمل کرد

کتاب اول در اصول دین و مذهب و فیه مسائل

اثبات صانع هر کس که اندکی در خود و سایر مخلوقات فکر کند واضح میشود که موجودات اینعالم را خالقی خلق و ایجاد کرده است بدلیل آنکه هیچ مصنوعی بدون صانع و هیچ بنائی بدون بانی موجود نمیشود

پس این همه مصنوعات که تمام بیکدیگر مربوط و متصل بهم پیوسته اند ناچار صانعی ایجاد فرموده و آنها را بهم مربوط فرموده چنین صانعی را بفارسی خدا گویند و بعربی الله

فصل اول

اصول دین

اصول دین اسلام چیزیست که هر کس بان اعتقاد داشته باشد مسلمانست و هر کس اعتقاد نداشته باشد کافر است و آن سه مطلب است: اول توحید - دوم نبوت - سیم معاد

اصول مذهب شیعه چیزیست که هر مسلمان بان اعتقاد داشته باشد شیعه اثنا عشری است و آن دو امر است اول عدل - دوم امامت - پس مجموع اصول دین و مذهب پنج امر است اول توحید - دوم نبوت - سیم معاد - چهارم عدل - پنجم امامت

درس دویم

توحید یعنی خداوند عالم یک و یگانه است و شریک ندارد بدلیل آنکه اگر برای خدا شریک باشد هر کدام از آنها میخواهند عالم را باراده خود نظم و ترتیب دهند و در این صورت عالم از نظام افتاده و فاسد میشود

نبوت یعنی خداوند از برای هدایت بندگانش پیغمبرانی فرستاد که کارهای خوب و بد را بانها بفهمانند و مردم را

براه راست و ضلالت کشند بدلیل آنکه اگر خداوند پیغمبران را نفرستد مردم در ضلالت و گمراهی خواهند افتاد و این ظلم است و خداوند ظالم نیست

وعده پیغمبران یکصد و بیست و چهار هزار که نفر اول آنها آدم و آخر آنها پیغمبر ما محمد بن عبدالله ص است که اشرف و خاتم پیغمبرانست پیغمبری بوجود مبارک او ختم شده است

معجزه هر پیغمبری برای اثبات پیغمبری خود علامتی داشته که سایر مردم از آوردن بمثل آن عاجز بوده اند و دلالت بر پیغمبری آن مینموده و آنرا معجزه میگویند و معجزات پیغمبرها بسیار است بزرگتر معجزه اش قرآنست که کتاب خداوند تا قیامت باقی است و در خوبی و فصاحت کسی مثل آن نمیتواند بیاورد

درس سیم

معاد یعنی خداوند تمام مردم را در روز قیامت

نام کتا
مؤلف
موضوع
سال چ
کاتب
طول
شماره ع
وقفی/خ
مصور
ملاحظات

دوباره زنده میشاید و جزای هر کسرا خواهد داد هر کس در دنیا
کارهای خوب کرده به بهشت میرود و هر کس کار بد کرده بجهنم میرود
بدلیل آنکه ظلم در دنیا بسیار واقع میشود و تمام آنها
در دنیا جزا داده نمیشود پس باید روز جزائی باشد که در آن
روز داد مظلوم از ظالم گرفته شود و هر کس با جزای خود برسد

عدل یعنی خدا بر هیچ مخلوقی ظلم و ستم روا نمیدارد
نه در دنیا و نه در آخرت جزای خوبی را خوبی و جزای بدی
را بدی میدهد
بدلیل آنکه ظلم قبیح است و کار قبیح بر خدا روا نیست

درس چهارم

امامت یعنی پیغمبر ما برای خود دوازده خلیفه معین کرده
که بعد از وفات او هر یک بعد از دیگری جانشین پیغمبر و
امام و پیشوای مردم اند برای اینکه احکام خدا را حفظ
نموده و برای مردم بیان فرمایند
دلیل بر امامت ایشان این است که بعد از پیغمبر از همه مردم علم

و افضل بودند و پیغمبر از جانب خدا تصریح بامامت ایشان کرده است

درس پنجم — فصل دوم

در اسم و صفات خدای تعالی

صفات ثبوتیه خداوند تبارک و تعالی را اسمها
بسیار است و صفات بسیار بزرگترین اسمها خداوند الله است
و بزرگترین صفات خدا را هشت صفت شمرده اند که آنها
صفات ثبوتیه گویند

اول قدرت یعنی بر همه چیز قادر و توانا است عجز برای او جایز نیست
۲- علم یعنی خداوند به همه چیز دانا است جهل برای او روا نیست
۳- حیوة یعنی خداوند زنده بوده و خواهد بود و مرگ و فنا برای او نیست
۴- اراده یعنی تمام مخلوقات را از روی قصد و اراده خلق کرده
۵- ادراک یعنی همه جزئیات را ادراک میکند و میفهمد
۶- سمع یعنی همه چیز را میشنود با اینکه مثل مخلوق گوش ندارد
۷- بصر یعنی همه چیز را می بیند و مثل مخلوق چشم ندارد
۸- تکلم یعنی خداوند سخن میگوید بدون اینکه مثل مردم

نام کتا...
مؤلف
موضوع
سال چا...
کاتب
طول
شماره ...
وقفی
مصور
ملاحظات

زبان داشته باشد
قادر و عالم و حیّ است و مرید و مُدرِک
پس سمیع است و بصیر و متکلّم صادق
و دلیل ثبوت این صفات آنست که اینها صفات کمالند و خدا
کاملست پس باید دارای این صفات باشد
صفات سلبیه هر چه صفت بد و نقص است و
مخصوص بجسمانیات خداوند عالم از آنها منزّه و مبرّی است
و عمده آنها هفت است که آنها را صفات سلبیه گویند
و آنها از این قرارند
اول آنکه مرکب از چیزی نیست دوم آنکه جسم نیست و مکان ندارد
سیم آنکه خدا بچشم دیده نمیشود و مرئی نیست
چهارم آنکه محل نیست که چیزی بر او عارض شود
پنجم آنکه شریک ندارد
ششم آنکه معانی یعنی صفات زائد بر ذات ندارد
و صفات خدا عین ذات است

هفتم خدا غنی و بی نیاز است و محتاج بچیزی نیست
نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل
بی شریکست و معانی تو غنی دان خالق
و دلیل آنکه این صفات در خدا نیست آنست که اینها
صفات نقص است و خدا کامل است

درس ششم — فصل سیم

در اسامی چهارده معصوم علیهم السلام
معصوم کسی است که در عمر خود گناه نکرده باشد بعقیده شیعه
تمام پیغمبران و امامان معصوم بوده‌اند و ممکن نیست از آنها
گناهی سر بزند بجهت اینکه اگر معصوم نباشند اعتمادی
بقول آنها نخواهد بود و پیغمبر ما با حضرت زهرا و دوازده امام
را چهارده معصوم گویند
پیغمبر ما اسمش محمد کنیه او ابوالقاسم پدرش عبدالله و
مادرش آمنه بنت وهب است آنحضرت در روز هفدهم
ربیع الاول در سال پانصد و هفتاد مسیحی در مکه متولد شد

نام کت
مؤلف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره ع
وقفی/خ
مصور
ملاحظات

ودر چهل سالگی در بیست و هفتم ماه رجب به پیغمبری مبعوث
شد و آن روز را روز مبعث گویند

سیزده سال بعد از آن در سال ششصد و بیست و دو از تاریخ
مسیحی از مکه معظمه بمدینه طیبه هجرت فرمود و آن سال
سال اول تاریخ هجری است ده سال هم در مدینه بودند
و در بیست و هشتم ماه صفر بنا بر مشهور وفات فرمودند عمر شریفش
شصت و سه سال قبر مبارکش در مدینه طیبه است

درس هفتم

فاطمه زهرا ع دختر پیغمبر خدا است و در مدینه مدفون است

و اسم‌های دوازده امام از این قرار است

اول حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ع در نجف اشرف مدفون است

دوم امام حسن مجتبی ع پسر بزرگ امیر المؤمنین در مدینه
در بقیع مدفون است

سیم امام حسین ع برادر کوچک امام حسن ع در کربلای
معلی مدفون است

چهارم امام زین العابدین علی پسر امام حسین علیه السلام
در بقیع مدفون است

پنجم امام محمد باقر پسر امام زین العابدین ع در بقیع مدفون است

ششم امام جعفر صادق ع پسر امام محمد باقر ع در بقیع مدفون است

هفتم امام موسی کاظم پسر امام جعفر صادق علیهما السلام
در کاظمین مدفون است

هشتم امام رضا پسر امام موسی کاظم ع در خراسان در
مشهد مقدس مدفون است

نهم امام محمد تقی پسر امام رضا ع در سامره مدفون است

دهم امام علی النقی پسر امام محمد تقی ع در سامره مدفون است

یازدهم امام حسن عسکری پسر امام علی النقی علیهما السلام
در سامره مدفون است

دوازدهم امام محمد مهدی پسر امام حسن عسکری ع هر وقت
خدا خواهد ظاهر میشود و عالم را پر از عدل و داد مینماید
بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد

نام کت…
مؤلف
موضوع
سال چ…
کاتب
طول
شماره ع…
وقفی / خ…
مصور
ملاحظات

شرعیات کدام است ؟ - شرعیات بر چند قسم است ؟ - بچه دلیل برای عالم صانعی هست ؟ - خدا کیست ؟ - اصول دین اسلام چیست ؟ - اصول دین اسلام چند است ؟ - اصول مذهب شیعه چیست و چند است ؟ - توحید یعنی چه ؟ - بچه دلیل ؟ - نبوت یعنی چه ؟ - بچه دلیل ؟ - عدد پیغمبران چند است ؟ - هر پیغمبری برای اثبات نبوت خود چه داشته ؟ - بزرگترین معجزه پیغمبر چیست ؟ - معاد یعنی چه ؟ - بچه دلیل ؟ - عدل یعنی چه بچه دلیل ؟ - امامت یعنی چه ؟ - بچه دلیل ؟ - صفات ثبوتیه خدا چند تا است ؟ - وکدامند ؟ - بچه دلیل این صفات برای خدا هست ؟ - صفات سلبیه چند تا است ؟ - وکدامند ؟ - بچه دلیل این صفات در خدا نیست معصوم کدام است ؟ - کیها معصومند ؟ - بچه جهت ؟ - چهارده معصوم کیانند ؟ - اسم و نسبت تاریخ تولد و بعثت و هجرت و وفات پیغمبر را بیان نمائید ؟ - فاطمه زهرا کیست ؟ - و در کجا مدفون است ؟ - اسامی دوازده امام و مدفن آنها را بیان نمائید ؟ -

کتاب دوم

درس هشتم - در عبادات

مقدمه فروع دین اسلام بر سه قسم است عبادات معاملات - احکام

عبادات هر عملیستکه محتاج باشد بقصد قربت

و بدون قصد قربت پذیرفته نباشد چون نماز و روزه

معامله عبارتست از داد و ستد و تجارت و کلیه قراردادها که مابین مردم واقع میشود مثل خرید و فروش و نکاح و طلاق

احکام عبارتست از حقوق و سیاساتیکه شارع برای مردم قرار داده مثل ارث و قصاص و دیات

احکام تکلیفیه احکام تکلیفیه پنج امر اند

واجب - حرام - مستحب - مکروه - مباح

واجب هر عملیستکه فعل آن لازم باشد و ترکش جایز نباشد چون نماز و روزه

حرام آنستکه ترک آن لازم باشد و فعل آن جایز نباشد چون ظلم و دزدی

مستحب آنستکه فعل آن بهتر باشد از ترکش چون احسان بفقراء

مکروه آنستکه ترکش بهتر باشد از فعلش چون صلوة در حمام

نام کتا
مولف
موضوع
سال چ
کاتب
طول
شماره ع
وقفی / خ
مصور
ملاحظات

مباح آنستکه فعل و ترکش مساوی باشد چون کسب کردن بجهت زیادتی مال

اقسام عبادات: عبادات هشت امرند: اول طهارت دوم نماز - سیم روزه - چهارم زکوة - پنجم خمس - ششم حج - هفتم جهاد - هشتم امر بمعروف و نهی از منکر

سؤالات

فروع دین اسلام چند قسم است؟ - عبادت چیست؟ - معامله چیست؟ عبادت از احکام عبادت از چیست؟ - احکام تکلیفیه چند امرند؟ - واجب کدام است؟ - حرام کدام است؟ - مستحب کدام است؟ - مکروه کدام است؟ مباح کدام است؟ - عبادات چند امرند اقسام کدامند؟ -

باب اول - در طهارت مقدمه -

طهارت بمعنای پاکی و پاکیزگی است کلیه پاکیزگی در شرع اسلام مطلوبست ولی بعضی از آن که دارای مصلحت و اهمیت مخصوص بوده واجب یا مستحب است

اقسام طهارت: طهارت بر دو قسم است طهارت از حدث و طهارت از خبث - طهارت از خبث

ازاله نجاست است از جامه و بدن و غیر آن

طهارت از حدث عبارتست از وضو و غسل و تیمم

درس هشتم

فصل اول در اقسام و احکام آبها

آب بر دو قسم است: مطلق - و مضاف

آب مطلق آنستکه آن را بدون قید آب گویند

آب مضاف آن است که آن را بدون قید آب نگویند مثل آب هندوانه و آبگوشت و گلاب و امثال آن که از چیزی گرفته شده باشد یا مخلوط بچیزی شود بقسمیکه از آب بودن خارج شود

آب مضاف هر قدر باشد بملاقات نجس نجس میشود و رفع نجاست و همچنین وضو و غسل با آن صحیح نیست

حکمت طهارت پاک نمودن بدن و لباس و ظرف و فرش و غیر آن است از نجاسات و کثافات که موجب امراض بسیار است و سبب غسل و وضو دست و صورت و بدن را شستن و شو دادن و پاک نمودن از کثافات و دفع بوهائیکه باعث نفرت است و حفظ صحت و تقویت بدن و غیره

نام کتا
مؤلف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره ع
وقفی/خ
مصور
ملاحظات

اقسام آب مطلق

آب مطلق بر چهار قسم است: آب باران - آب چاه - آب جاری - آب ایستاده

آب باران در حال باریدن و آب جاری و آب چاه بملاقات نجس نجس نمیشود مگر آنکه بسبب نجاست طعم یا رنگ یا بوی آنها تغییر کند و بزوال تغییر پاک میشوند

آب ایستاده بر دو قسم است: آب کثیر - و آب قلیل

آب کثیر آنستکه بقدر کر باشد یا زیادتر از کر و در حکم آب جاری است مگر اینکه بعد از زوال تغییر باید متصل بکر یا جاری شود تا پاک گردد

آب قلیل آنستکه کمتر از کر باشد و آن بملاقات نجس نجس میشود و باتصال بکر پاک میشود

مقدار کر

مقدار کر بر حسب وزن یکصد و بیست و هشت من تبریز است الا بیست مثقال صیرفی و بحسب مساحت

باید حاصل ضرب طول و عرض و عمق آن چهل و سه وجب الا یکهشتم وجب بشود مثل آنکه هر یک از طول و عرض و عمق آن سه وجب و نیم باشد

درس دهم - فصل دوم

در نجاسات است که آنها را خبث و اعیان نجسه نیز گویند و آنها دوازده چیز است: اول - و دوم بول و فضله هر حیوانیکه حرام گوشت و صاحب خون جهنده باشد

سیم و چهارم منی و خون حیوانیکه صاحب خون جهنده باشد اگرچه حلال گوشت باشد مگر خونیکه بعد از کشتن و آمدن خون متعارف در بدن حیوان بماند

پنجم و ششم - سگ و خوک صحرائی نه دریائی هفتم کافر

هشتم شراب و هر مست کننده که در اصل روان باشد

نهم فقاع یعنی شراب جو دهم آب انگور جوش آمده پیش از آنکه دو ثلث آن کم شود (۱)

---

(۱) جمعی از علما آنرا پاک میدانند اگرچه خوردن آن حرام است

نام کتا
مولف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره ع
وقفی
مصور
ملاحظات

کتابخانه مرکزی … رضوی
٢٨٨٧٦

یازدهم مرده حیوانیکه صاحب خون جهنده باشد اجزاء آن که
در اصل روح نداشته باشد نه مثل مو و استخوان
دوازدهم عرق حیوان نجاست خوار و جنب از حرام

احکام نجاسات (۱) هر چه با رطوبت با یکی از نجاسات
ملاقات کند نجس میشود و آن را متنجس گویند
(۲) ازاله نجاست از قرآن و مساجد و مشاهد مشرفه واجب است
(۳) خوردن و آشامیدن چیز نجس و متنجس حرام است

درس یازدهم

فصل سیم - در مطهرات

مطهرات دوازده چیز است: اول آب دوم زمین سیم آفتاب
چهارم استحاله پنجم انقلاب ششم اسلام هفتم انتقال
هشتم زوال عین نهم سنگ و کهنه استنجا دهم تبعیت
یازدهم رفتن خون متعارف از حیوان دوازدهم نقص
آب هر چیز را که نجس شده باشد پاک میکند
زمین که پاک و خشک باشد زیر کفش و پا و امثال آن را بعد از

زوال عین نجاست پاک میکند براه رفتن و مالیدن بزمین
آفتاب زمین و دیوار و عمارت و در و هر چه قابل نقل نیست مثل
درخت و میوه و نحو آن و از منقولات حصیر و بوریا را پاک میکند
در صورتیکه عین نجاست زائل شده باشد و بتابش آفتاب خشک شود
استحاله یعنی بدل شدن چیز نجس بچیز پاک مثل خاکستر
شدن عین نجس باتش
انقلاب یعنی منقلب و زایل شدن اوصاف نجس مثل اینکه
شراب سرکه شود
اسلام کافر را از نجاست کفر پاک میکند
انتقال مثل خون انسان که جزء بدن پشه و نحو آن شود پاک میشود
زوال عین یعنی برطرف شدن عین نجاست از بدن حیوان و
باطن انسان مثل باطن دماغ و گوش و غیر آن
سنگ و کلوخ و کهنه و غیر آن مخرج غایط را پاک میکند
بشرط آنکه سه سنگ باشد یا سه گوشه یک سنگ و زوال
عین نجاست بشود و الا باید زیاد کرد تا عین نجاست زائل شود

تعیین مثل این است که شراب سرکه شود ظرف آن هم پاک
میشود و همچنین کافر که مسلمان شود طفل صغیر او پاک میشود
بیرون ریختن خون متعارف از حیوانیکه ذبح شده باشد
خون باقی مانده در بدن آن حیوان را پاک میکند
نقص مثل اینکه دو ثلث آب انگور جوش آمده که بخار شود
باقی پاک میشود

درس یازدهم - کیفیت تطهیر با آب

(۱) هر چیزی که نجس شده باشد هرگاه بعد از زوال عین نجاست
آب باران بر آن ببارد یا یکدفعه با آب جاری یا کر بشویند
پاک میشود و فشار لازم ندارد

(۲) هر چیز نجس را اگر بعد از زوال نجاست دو مرتبه آب
قلیل بر آن بریزند پاک می‌شود و در چیزهائیکه فرو رفتنی
است مثل جامه باید فشار داد

(۳) ظرفی را که سگ یا خوک زبان زده ... باشد باید
اول خاک پاک بمالند بعد در سگ دو مرتبه و در خوک

هفت مرتبه بشویند

(۴) با آب نجس وضو و غسل صحیح نیست و رفع نجاست نمیکند

(۵) غساله نجس یعنی آبیکه در ازاله نجاست استعمال شود
نجس است مگر غساله استنجا در صورتیکه بواسطه نجاست
تغییر نکرده باشد و نجاست خارجی بآن نرسد

خاتمه در آداب مبال رفتن

(۱) واجب است در حال تخلی بلکه در تمام احوال ستر عورت
از ناظر محترم

(۲) مراد از ناظر محترم انسانیست که ممیز باشد غیر از زوج
زوجه و کسیکه در حکم آنها است

(۳) رو بقبله و پشت بقبله نشستن در حال تخلی حرام است

(۴) نظر بعورت غیر کردن در همه حال حرام است

استنجا مخرج بول را دو مرتبه باید با آب شست غیر آب
کافی نیست - مخرج غائط را باید با آب بشویند تا نجاست
برطرف شود و تعدد شرط نیست و در صورتیکه نجاست از مخرج

نام کتا
مؤلف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره ع
وقفی
مصور
ملاحظات

تجاوز نکند و نجاست خارجی بآن نرسد به سه سنگ
یا کهنه پاک نیز میتوان تطهیر کرد و اگر به سه تا پاک نشد
باید زیاد کرد تا عین نجاست بر طرف شود

سؤالات

طهارت بچه معنی است؟ - طهارت بر چند قسم است؟ - طهارت از خبث کدام است؟ - طهارت از حدث کدام است؟ - آب بر چند قسم است؟ آب مطلق کدام است؟ - آب مضاف کدام است؟ - آب مطلق چند قسم است؟ حکم آب باران و جاری و چاه چیست؟ - آب ایستاده بر چند قسم است؟ - آب کثیر کدام است و حکم آن چیست؟ - آب قلیل کدام است و حکم آن چیست. نجاسات چند چیز است؟ - آب چه چیزها پاک میکند؟ - زمین چه چیزها پاک میکند؟ - آفتاب چه چیزها پاک میکند؟ - استحاله یعنی چه؟ - انقلاب یعنی چه؟ - اسلام چه چیزها پاک میکند؟ - انتقال مثل چه؟ - زوال عین یعنی چه؟ - سنگ و کهنه استنجا چه چیزها پاک میکند؟ - تبعیت مثل چه؟ - بیرون رفتن خون متعارف چه چیزها پاک میکند؟ - نقص کدام است؟ - کیفیت تطهیر با آب را بیان کنید؟ - آداب مبال رفتن را بیان کنید؟ -

درس سیزدهم

فصل چهارم - در وضوء

افعال وضوء افعال وضوء چهار چیز است

اول شستن رو از رستنگاه موی سر تا آخر زنخ در طول و آنچه انگشت ابهام و وسطی فرا گیرد در عرض و آنچه از رو در زیر مو باشد شستن آن لازم نیست و شستن مو کفایت میکند و باید از بالا بپائین شست پس اگر از زنخ ببالا بشوید باطل است

دوم شستن هر دو دست از آرنج تا سر انگشتان و اگر عکس کند یعنی از انگشتان ببالا بشوید صحیح نیست

سیم مسح جلو سر با دست راست بتری کف دست از آب وضوء

چهارم مسح هر دو پا از سر انگشتان تا بند پا اول پای راست بعد پای چپ

شرایط وضوء شرایط وضوء هفت است

اول باید مکان وضو و محل ریختن آب وضو غصبی نباشد و غصبی مال غیر است که بی رضای مالک در آن تصرف کند

دوم آب وضو نجس و مشتبه بنجس و غصبی و مضاف نباشد
سیم باید اعضای وضو پیش از وضو پاک باشد و مانعی از رسیدن آب وضوء باعضا نباشد
چهارم نیت باین طریق که مقارن شستن رو قصد می‌کند وضو میگیرم برای نماز مثلاً قربة الی الله و تا آخر وضوء همین قصد باشد و نیت مخالف ننماید
پنجم ترتیب باینکه اول رو را بشوید بعد دست راست بعد دست چپ را و بعد مسح سر و بعد مسح دو پا را کند و اگر خلاف این ترتیب کند وضو باطل است
ششم موالات یعنی افعال وضو را پی در پی بجا آورد و بقدری تأخیر نیندازد که عضو سابق خشک شود
هفتم آنکه خود افعال وضو را بجا آورد پس اگر غیر او را وضو دهد باطل است مگر در حال ضرورت

درس چهاردهم - وضوی واجب

(۱) وضو برای سه چیز واجب است (۱)

اول برای هر نماز واجب مگر نماز میت که در آنجا مستحب است
دوم برای طواف خانه کعبه اگر واجب باشد
سیم برای دست نهادن بروی خط قرآن و اسماء خدا اگر واجب شود

نواقض وضو

وضو باطل میشود بسه چیز که آنها را احداث اصغر و نواقض وضو و موجبات وضو گویند
اول خارج شدن بول یا غایط یا باد از مخرج معتاد
دوم خواب و مستی و بیهوشی و هر چه عقل را زایل کند
سیم هر چه موجب غسل باشد - هرگاه شخص یقین بحدث سابق دارد و شک در وضوی لاحق باید وضو بگیرد و اگر یقین بطهارت دارد و شک در حدث متطهر است

درس پانزدهم - فصل پنجم در غسل

اقسام غسل و کیفیت آن   غسل بر دو قسم است:
ترتیبی - ارتماسی
غسل ترتیبی اینستکه بعد از نیت اول سر و گردن را بشوید

(۱) در غیر این موارد در همه اوقات وضو مستحب است خصوصاً در بعض مواقع مخصوصه

نام کتا
مؤلف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره ع
وقفی / خ
مصور
ملاحظات

بعد نصف طرف راست را از شانه تا کف پا بعد از نصف
طرف چپ را بهمین طور و ناف و عورتین را با هر دو طرف بشوید
غسل ارتماسی آنستکه بعد از نیت بیک دفعه میرود بزیر آب
بطوری که آب تمام سر و بدن را فرا گیرد

شرایط غسل شرایط غسل همان شرایط وضو است مگر آنکه
موالات در غسل شرط نیست و از پائین ببالا شستن نیز ضرری ندارد

موجبات غسل موجبات غسل شش امر است: اول
جنابت دوم حیض سوم نفاس چهارم استحاضه پنجم
مس میت ششم موت آدمی و هر یک از آنها را حدث اکبر گویند
و غسلهای مستحب بسیار است که از جمله آنها غسل جمعه است
که در هر روز جمعه مستحب مؤکد است

غسل جنابت(۱) برای سه امر واجب است: اول نماز واجب
دوم طواف واجب سوم روزه واجب

محرمات جنب بر جنب چهار امر حرام است

---

(۱) سبب جنابت دو امر است: اول خروج منی دوم مقاربت

اول عضوی از بدن خود را بخط قرآن یا بنام خدا و چهارده
معصوم رسانیدن دوم در مسجد مکه یا مدینه داخل شدن
سوم در باقی مساجد توقف کردن چهارم چیزی از چهار سوره
عزائم که سجده واجب دارد خواندن و آن چهار سوره اقرأ
و والنجم و حم تنزیل و الم تنزیل است
و غسل جنابت از وضو و غسلهای دیگر کفایت میکند
و غسلهای دیگر مکفی از وضو و غسل جنابت نیستند

درس شانزدهم

حیض و نفاس و استحاضه و مس میت

حیض حالتیست که از برای زنان از سن نه سالگی
تا پنجاه یا شصت سالگی در هر ماه پیدا میشود

استحاضه حالتیست که قبل از نه سال یا بعد از پنجاه
یا شصت سال برای آنها پیدا میشود

غسل نفاس غسلی است که بعد از زائیدن برای
زنان واجب است

نام کتاب
مؤلف
موضوع
سال چاپ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظات

غسل مس میت آنستکه هرکس که یکی از اعضای خود را به بدن میت بپوساند بعد از سرد شدن میت و قبل از غسل دادن واجبست براو که غسل کند

وهمچنین اگر قطعه جدا شده از بدن آدمی را که دارای استخوان باشد مس کند غسل واجبست خواه از زنده جدا شده باشد وخواه از مرده واگر بی استخوان باشد غسل واجب نیست

سؤالات

وضو عبارت از چیست؟ - شرایط وضو چند است؟ - وآنها کدامند؟ - وضو برای چند چیز واجبست؟ - وآنها کدامند؟ - وضو بچند چیز باطل میشود؟ - وآنها کدام است؟ - اگر شخص یقین بوضو دارد وشك در حدث چه باید کرد؟ غسل بر چند قسم است؟ - غسل ترتیبی کدام است؟ غسل ارتماسی کدام است؟ - شرایط غسل چیست؟ - غسلهای واجب چند تا است؟ - غسل جنابت برای چند امر واجب است؟ - بر جنب چند امر حرام است؟ - غسل جنابت از وضو وغسلهای دیگر کفایت میکند یا نه؟ - حیض چیست؟ - استحاضه کدام است؟ - غسل نفاس چیست؟ - غسل مس میت کدام است؟ -

درس هفدهم - فصل ششم

در احکام میت وآن شش امر است: اول احتضار دوم غسل سیم حنوط چهارم کفن پنجم نماز ششم دفن

احتضار در وقت احتضار یعنی وقت جان دادن واجبست میت را بپشت بخوابانند وپای او را بطرف قبله نمایند

غسل میت واجبست میت مسلمان وطفل مسلمان را بعد از مردن وازاله نجاست از او سه غسل دهند اول بآبیکه در آن سدر باشد دوم بآبیکه در آن کافور باشد سیم بآب خالص بترتیب غسلهای ترتیبی یعنی اول سر وگردن را بشویند بعد طرف راست وبعد طرف چپ را واگر سدر وکافور نباشد هر سه غسل را بآب خالص دهند واگر آب نباشد یا نتوان او را غسل داد عوض هر غسل او را تیمم دهند وشروط غسل میت مثل شروط سایر غسلها است

(۱) مرد را باید مرد غسل دهد وزن را زن مگر در زن وشوهر که هر یك دیگری را میتواند غسل داد وهمچنین

نام کتاب
مؤلف
موضوع
سال چاپ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظات

اگر کنیز خود را بشواند غسل داده شد و مرد دختر سه ساله
و زن پسر سه ساله را بشواند غسل داده شد
(۲) عورتین میت را باید بپوشانند

حنوط بعد از غسل واجب است میت را حنوط کنند
و حنوط آن است که هفت موضع او را که در سجده بزمین
میگذارد کافور بمالند

درس هجدهم - کفن میت

بعد از حنوط واجب است میت را کفن کنند و کفن
سه پارچه است: اول لنگ که ما بین ناف و زانو را
بپوشاند دوم پیراهن که از شانه تا نصف ساق را بپوشاند
سیم لفافه که میت را سراپا فرا گیرد و بتوان دو سر
آن را بست و در کفن سه چیز شرط است
اول آنکه ابریشم و طلا باف و پوست نباشد دوم آنکه
نجس نباشد سیم آنکه غصبی نباشد و کفن زن بر شوهر
است مگر آنکه صغیر باشد

نماز میت پنجم از احکام میت آنستکه بعد از غسل و کفن
بر او نماز گذارند و نماز واجب است بر میت مسلمان و
طفل مسلمان که شش سال او تمام باشد
کیفیتش این است که میت را به پشت بخوابانند و نماز
گذار رو بقبله باشد بطوری که سر میت بطرف راست او
واقع شود و بعد از نیت پنج تکبیر بگویند و کمتر چیزی که
بعد از تکبیرات باید گفت آنستکه بعد از تکبیر اول بگوید
اَشهدُ اَن لا اِلهَ اِلّا الله واَشهدُ اَنّ محمّداً رسولُ الله
و بعد از تکبیر دوم بگوید اَللّهمّ صلِّ علی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ و
بعد از تکبیر سیم بگوید اَللّهمّ اغفر للمؤمنینَ و المؤمنات
و بعد از تکبیر چهارم بگوید اَللّهمّ اغفر لَهُ و اگر میت زن
باشد بجای لَهُ لَها بگوید و بعد تکبیر پنجم را گفته و نماز
تمام میشود

دفن میت ششم از احکام میت آنستکه او را بعد از نماز
در زمین دفن نمایند بطوریکه از جانوران محفوظ باشد

نام کتاب
مؤلف
موضوع
سال چاپ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظات

وبوی عفونت آن بیرون نیاید

و باید او را در قبر بجانب راست رو بقبله بخوابانند بطوری
که سرش طرف مغرب پایش طرف مشرق و رویش بطرف
قبله باشد و هرگاه در دریا کسی بمیرد باید او را در صندوق
یا خمره گذارده و اگر ممکن نشود چیز سنگینی باو بست و او را
رو بقبله بدریا انداخت

شهید را غسل و کفن نباید کرد بلکه بر او نماز خواندن و
با همان لباس او را دفن کنند و شهید کسی است که باذن
امام یا نایب امام جهاد کرده و در جنگ کشته شود

درس نوزدهم

فصل هفتم - در احکام تیمم

تیمم وقتی واجب شود که وضو یا غسل بر شخص لازم شد
باشد و آب بقدر کفایت برای آنها نتواند تحصیل کند
یا عذر از استعمال آب داشته باشد مثل اینکه مریض باشد
یا سرما زیاد یا از ترس تشنگی داشته باشد یا وقت تنگ

باشد و مثل اینها در این صورت بدل از وضو یا غسل باید تیمم کنند

کیفیت تیمم کیفیت تیمم اینست که شخص بعد از نیت دو دست
خود را یکدفعه بر زمین زند و با دو کف دست پیشانی را
از رستنگاه موی سر تا طرف بالای دماغ مسح نماید
بعد از آن با کف دست چپ پشت دست راست را مسح کنند
از بند دست تا سر انگشتان
بعد با کف دست راست پشت دست چپ را مسح میکنند و در تیمم بدل
از غسل بعد از مسح پیشانی دو باره دستها را بر زمین زده و پشت
دستها را مسح کنند شرایط تیمم پنج است

شرایط تیمم شرایط تیمم پنج است: اول آنکه آنچه بر آن تیمم
میکنند بحکم غصبی نباشد دوم آنکه آنچه بر آن تیمم میکنند زمین
باشد یعنی خاک و سنگ و ریگ و بجائی پس تیمم با [illegible] معدن
مثل نمک و زرنیخ و مثل آن صحیح نیست و هرگاه زمین ممکن نشود
بر غبار لباس و نمد و زین و یال اسب تیمم کند و اگر از هم ممکن
نشود با گل تیمم کنند سیم اعضای تیمم قبل از تیمم پاک باشد

نام کتاب
مؤلف
موضوع
سال چاپ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظات

چهارم نیت یعنی در وقت زدن دست بر زمین قصد کند که
تیمم بدل از غسل یا وضو میکنم قربة الی الله پنجم آنکه هر چه مانع
باشد مثل انگشتر و بخوان در وقت تیمم بیرون آورد از دست
هر چیزیکه وضو و غسل را باطل میکند تیمم را نیز باطل میکند
بعلاوه یافت شدن آب یا تمکن از استعمال آن

سؤالات

احکام میت چند چیز است؟ - در وقت احتضار چه چیز واجب است؟ -
چه میتی را باید غسل داد؟ اگر سدر و کافور نباشد میت را با چه
باید غسل داد؟ - اگر آب نباشد یا غسل ممکن نشود چه باید کرد؟ -
شرایط غسل میت چند تا است؟ - بعد از غسل چه باید کرد؟ -
حنوط کدام است؟ - بعد از حنوط چه باید کرد؟ - کفن میت چند
پارچه است؟ و آنها کدامند؟ - در کفن چند چیز شرط است؟ - کفن زن
بر کیست؟ - نماز بر چه میتی واجب است؟ - کیفیت نماز میت را بیان نما
بچه نحو میت را باید دفن کرد؟ - اگر کسی در دریا بمیرد او را چه باید کرد؟ -
شهید حکمش چیست؟ - شهید چه کس است؟ - تیمم چه وقت واجب میشود
ترتیب تیمم چیست؟ - شرایط تیمم چند است و کدامند؟ - چه چیز تیمم را
باطل میکند؟ -

باب دوم - در نماز

فصل اول

در شماره نمازهای واجب و نماز یومیه
نماز واجب شش است(۱): اول نماز یومیه شبانه روزی دوم نماز
جمعه سیم نماز آیات چهارم نماز طواف پنجم نمازی که بنذر
و عهد و قسم و اجاره واجب شود ششم نماز میت(۲)

نماز یومیه نماز یومیه پنج نماز است که بر هر مرد عاقل
از سن پانزده سالگی و بر هر زن عاقله از سن نه سالگی واجب است
در شبانه روز پنج نماز در پنج وقت معین بجا آورد از این قرار
نماز صبح دو رکعت نماز ظهر چهار رکعت نماز عصر چهار رکعت
نماز مغرب سه رکعت نماز عشا چهار رکعت

فصل دوم

در مقدمات نماز و آنها هفت چیز است که باید برای
برای نماز بجا آورد: اول طهارت از حدث دوم طهارت

حکمت ظاهری نماز توجه نمودن و تقرب جستن بخدا و تهذیب اخلاق کردن
و خدا را ناظر اعمال خود دانستن و از اعمال حرام اجتناب کردن و حفظ [illegible]

نام کتا
مولف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظات

کردن نجاستها از بدن و جامه سوم ستر عورت و آن
پوشانیدن عورتین است در مرد و تمام بدن در زن مگر
صورت و دو دست از انگشتان تا بند آن و دو پا تا ساق
چهارم لباس نمازگزار باید غصبی و پوست حیوان حرام
گوشت مردار نباشد مگر پوست خز و سنجاب که نماز در
این دو جایز است و لباس مرد باید ابریشم خالص و طلا باف نباشد
مگر در ضرورت یا جنگ پنجم مکان نماز از غصبی و نجس
نباشد بطوری که نجاست سرایت به بدن و جامه کند و اگر
سرایت نکند ضرر ندارد مگر در محل سجده که اگر سرایت هم نکند
نماز باطل است ششم وقت شناختن یعنی وقت نماز را
بداند که در وقت خود بجا آورد هفتم قبله شناختن یعنی
قبله را بداند که رو بقبله نماز گذارد

حکمت (۲) نماز قضا نماز جمعه و نماز مسافر جزء نماز یومیه محسوب
میشود و نماز عید فطر و قربان چون در زمان غیبت مستحب است
لذا ذکر نشده ؟ -

درس بیست و یکم
نجاساتی که در نماز معفو است

در پنج جا نجاست بدن و لباس در نماز معفو است
اول خون زخم و دمل و مانند آن که اگر ازاله آن مشقت داشته
باشد میتوان با آن نماز خواند دوم خونیکه کمتر از بند بالای
انگشت ابهام باشد مگر خون حیض و نفاس و استحاضه و نجس العین
سوم جامه که نتوان با آن ستر عورت کرد مثل عرقچین و جوراب
و بند زیر جامه و نحو آن چهارم لباس زنیکه طفل را تربیت
میکند اگر یکی بیشتر نداشته باشد و روزی یکمرتبه بشوید
پنجم در وقت ضرورت

اوقات نماز

هر یک از نمازهای یومیه غیر از نماز صبح
دو وقت دارد مختص و مشترک

وقت نماز صبح از طلوع صبح صادق است تا طلوع آفتاب
صبح صادق یا فجر صادق سفیدی است که در طرف افق پیدا
میشود و بتدریج تا طلوع آفتاب زیاد میشود
وقت مختص نماز ظهر از اول ظهر است تا مقدار چهار رکعت

وقت مختص نماز عصر از مقدار چهار رکعت بمغرب است تا مغرب
ما بین این دو وقت مشترک ظهر و عصر است. ظهر وقتیست که
آفتاب از دایره نصف النهار بگذرد و علامت آن این است که
در آن وقت سایه هر چیز شروع بزیاد شدن میگذارد چه اول
طلوع آفتاب سایه هر چیزی بسمت مغرب کشیده شده است
و هر قدر آفتاب بالا آید سایه آن چیز کم میشود تا آفتاب بدایره
نصف النهار رسد بعد از آن رو بزیاد میگذارد و آن وقت
وقت ظهر است

وقت مختص نماز مغرب از اول مغربست تا مقدار سه رکعت
وقت مختص نماز عشا از چهار رکعت مانده بنصف شب است
تا نصف شب ما بین این دو وقت وقت مشترک مغرب و عشا است
مغرب وقتیستکه حمره مشرقیه یعنی قرمزیکه بعد از غروب
آفتاب در سمت مشرق ظاهر میشود از بالای سر بگذرد
قبله خانه کعبه است برای کسیکه نزدیک باشد و بتواند
آنرا ببیند و جهه کعبه است یعنی سمتیکه کعبه در آن سمت

واقع است برای کسیکه دور باشد و نتواند آنرا ببیند
تعیین قبله هرگاه کسی علم بقبله پیدا کند نماز را
رو بقبله بخواند و در صورت عدم علم بقبله اما بنحویکه اسباب
ظن بقبله باشد عمل نماید مثل محراب مسجد و قبور مسلمین
و قول صاحب خانه مسلمان و غیر اینها و اگر ظن ممکن نشود
بچهار سمت نماز بخوانند

درس بیست و دوم

خاتمه مستحب است قبل از نمازهای یومیه اذان و
اقامه گفتن اذان عبارتست از چهار مرتبه الله اکبر
و بعد اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله
و حی علی الصلوة و حی علی الفلاح و حی علی خیر العمل
و الله اکبر و لا اله الا الله هر کدام دو مرتبه و اقامه مثل
اذان است مگر آنکه در اول الله اکبر دو مرتبه باید گفت
و بعد از حی علی خیر العمل دو مرتبه بگوید قد قامت الصلوة
و در آخر یکمرتبه لا اله الا الله است و مستحب است بعد از

نام کتا
مؤلف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظات

شهادتین أشهد أن علیاً و اولاده المعصومین حجج الله
ولی جزء اذان و اقامه نیست

درس بیست و سوم - فصل سوم

در افعال واجبه نماز که افعال و مقارنات نماز گویند
افعال واجبه نماز ده امر است: اول نیت دوم تکبیرة
الاحرام سوم قیام چهارم قرائت پنجم رکوع ششم سجود هفتم
تشهد هشتم سلام نهم ترتیب دهم موالات

ارکان نماز چهار امر از این ده امر رکن است یعنی زیادی
یا کمی یکی از اینها عمداً و سهواً نماز باطل میشود و از این قرار
اول تکبیرة الاحرام دوم قیام در حال تکبیرة الاحرام و قیام متصل
به رکوع سوم رکوع چهارم دو سجده و ما بقی غیر رکن است که
زیادی یا کمی اینها عمداً نماز باطل میشود ولی سهواً باطل نمیشود

نیت یعنی قصد کند بجا آوردن نماز معین را قربة الی الله و
باید مقارن تکبیرة الاحرام بوده و تا آخر نماز همان نیت باقی
باشد و نیت خلاف نکند

تکبیرة الاحرام گفتن الله اکبر است در اول نماز بقصد قربت
و باید بعربی باشد و ترجمه آن کافی نیست

قیام یعنی در حال تکبیرة الاحرام و قرائت باید بقصد استقرار راست
بایستد بدون تکیه بچیزی تا برکوع رود

قرائت یعنی در دو رکعت اول نماز یومیه اول حمد و بعد یک سوره
تمام از قرآن بخواند غیر از سوره های سجده بطور صحیح و ادای حروف از مخارج
و در رکعت سوم و چهارم مختار است که حمد تنها بخواند یا تسبیحات
اربع و تسبیحات اربع این فقرات است سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر و مستحب است سه دفعه گفتن
مرد باید در نماز صبح و دو رکعت اول نماز مغرب و عشاء حمد و سوره را
جهر (بلند) بخواند و در ما بقی اخفات است بجز بسم الله که مستحب است
بلند بخواند و زن تمام را آهسته بگوید

درس بیست و چهارم

رکوع در هر رکعت نماز یک رکوع واجب است این چنانست که
بعد از تمام شدن حمد و سوره یا تسبیحات اربع باندازه خم شود که

نام کتاب
مؤلف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره ع
وقفی
مصور
ملاحظات

بخواند دست خود را بر زانو برساند و در این حال این ذکر را بخواند سُبحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَبِحَمدِه یا سه مرتبه سُبحانَ الله بگوید بعد از آن بلند شده یک لحظه راست بایستد و در حال ایستادن مستحب است بگوید سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه

سجود در هر رکعت از نماز دو سجده واجب است باین طریق که بعد از بلند شدن از رکوع بسجده برود بطوری که هفت موضع بزمین برسد پیشانی و دو کف دستها و دو سر زانو و دو انگشت بزرگ پاها و در این حال این ذکر را بخواند سُبحانَ رَبِّیَ الأعلی وَبِحَمدِه یا سه مرتبه سُبحانَ الله بگوید و بعد سر از سجده بر میدارد و مستحب است تکبیر بگوید و بگوید أستَغفِرُ اللهَ رَبّی وَأتوبُ إلَیه و بعد از آن برود بسجده دوم مثل اول بجا آورد محل سجده باید زمین یا گیاهی باشد که عادةً مأکول و ملبوس نباشد مثل سنگ و خاک و چوب و جای آن از محل ایستادن بلندتر از کلفتی یک خشت نباشد و بر معادن و مأکول و ملبوس و هر چه از اسم زمین خارج شده باشد مثل خاکستر سجده صحیح

نیست و بر کاغذ سجده جایز است

تشهد در رکعت دوم هر نماز و در رکعت سیم نماز سه رکعتی و در رکعت چهارم نماز چهار رکعتی بعد از سجود باید بنشیند و تشهد را باین طریق بخواند أشهَدُ أن لا إلهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَه وَأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسولُه اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد

سلام و آن چنان است که در رکعت آخر هر نماز بعد از تشهد بگوید السَّلامُ عَلَینا وَعَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحین السَّلامُ عَلَیکُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُه و مستحب است اول بگوید السَّلامُ عَلَیکَ أیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُه و بعد هر دو سلام را بگوید

ترتیب و آن است که بهمان ترتیب که ذکر شد باید افعال نماز را بجا آورد پس اگر عمداً جزئی را که باید مؤخر باشد مقدم بدارد نماز باطل است

موالات یعنی پی در پی افعال نماز را بجا آورد و بین آنها فاصله نشود

قنوت مستحب است در رکعت دوم هر نماز قبل از رکوع قنوت بخواند باین طریق که هر دو دست را محاذی صورت نگاه دارد

بطوریکه کف دستها بجانب آسمان باشد و در این حال هر ذکر
و دعائی میخواهد بخواند و افضل خواندن کلمات فرج است و آن
این است لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم
سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع
و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین
اگر کسی نتواند اعمال نماز را بطوریکه گفته شد بجا آورد
هر چه ممکن است بجا آورد و نماز ساقط نمیشود مثل اینکه در
قیام اگر نتواند بایستد تکیه کند و اگر نتواند بنشیند و
اگر عاجز باشد بپهلو بخوابد و اگر نتواند بپشت بخوابد
و اگر برای رکوع و سجود نتواند خم شود سر را خم کند و اگر نتواند چشم
را بهم گذارد و اگر قرائت نمیتواند بخواند بقدر آن ذکر بگوید
و اگر نتواند بقدر آن بایستد و همچنین در کارهای دیگر

سؤالات

نمازهای واجب چند تا است آنها کدام است؟ - نماز یومیه چند نماز است و بچه کس
واجب است؟ - مقدمات نماز چند چیز است و کدام است؟ - هر یک از نمازها چند
رکعت است؟ - وقت نماز صبح کی است؟ - صبح صادق کدام است؟ - وقت

نماز ظهر و عصر کی است؟ - ظهر چه وقت است؟ - وقت نماز مغرب و عشا کی است؟
مغرب چه وقت است؟ - قبله چیست؟ - قبله شخص متحیر چیست؟ - اذان مستحب
است یا نه؟ - اقامه کدام است؟ - افعال واجبه نماز با مقارنات چند امرند
رکن کدام است؟ - نیت یعنی چه؟ - تکبیرة الاحرام کدام است؟ - قیام یعنی چه؟
قرائت یعنی چه؟ - در کدام نماز باید حمد و سوره را بلند خواند؟ - در کدام
آهسته؟ - در هر رکعت نماز چند رکوع واجب است؟ - رکوع کدام است؟ -
در هر رکعت نماز چند سجده واجب است؟ - سجده بچه طریق است؟ - محل
سجده چه باید باشد؟ - تشهد در کدام رکعت نماز واجب است؟ -
تشهد کدام است؟ - سلام چیست؟ - نیت کدام است؟ - موالات یعنی چه؟
قنوت چه وقت مستحب است؟ - قنوت کدام است؟ - اگر کسی نتواند اعمال
نماز را بجا آورد چه باید بکند؟ -

درس بیست و پنجم - فصل چهارم

در مبطلات یا منافیات نماز

مبطلات یا منافیات نماز چیزهائیست که نماز را باطل میکند
و آن بر دو قسم است: اول آنکه عمداً و سهواً نماز را باطل میکند
دوم آنکه عمداً نماز را باطل میکند نه سهواً
اما آنکه عمداً و سهواً نماز را باطل میکند از این قرار است
اول حدث [موجبات وضو و غسل]

نام کتاب
مؤلف
موضوع
سال چاپ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظات

دوم پشت یا طرف راست یا چپ بقبله کردن سیم در
خارج وقت نماز خواندن مگر اینکه اشتباها در وقت کرده باشد
و هنوز نماز تمام نشده وقت داخل شود چهارم با جامه یا بدن
نجس نماز خواندن مگر اینکه عالم بنجاست نبوده و تا آخر نماز
عالم نشود پنجم زیادتی یا کمی رکن ششم فعل یا سکوت بسیار
که از صورت نماز کذا خارج شود هفتم خوردن و آشامیدن
و اینهائیکه عمدا نماز را باطل میکند نه سهوا از این قرار است
اول ترک ستر عورت کردن دوم در لباس یا مکان غصبی نماز کردن
سیم سخن گفتن بد و حرف یا زیاده غیر از قرآن و دعا و ذکر
چهارم خندیدن با صدا کردن پنجم گریه کردن برای غیر خدا
ششم بعد از حمد آمین گفتن هفتم دست بسته نماز کردن
هشتم کم و زیاد کردن یکی از واجبات غیر رکن نهم شک در
رکعات بتفصیلیکه بیاید

درس بیست و ششم - فصل پنجم

در احکام سهو هرگاه سهوا یکی از واجبات نماز ترک شود

پس اگر محلش باقی است یعنی هنوز داخل در رکن نشده باشد
باید برگردد و آن را بجا آورد و اگر داخل در رکن شده باشد پس
اگر آن جزء فراموش شده رکن باشد نمازش باطل است و اگر
غیر رکن باشد نماز صحیح است و باید بعد از نماز دو سجده سهو
بجا آورد مثل اینکه اگر رکوع را فراموش کرده و پیش از سجود
بخاطرش آید برگردد و رکوع را بجا آورد و اگر وقتی بسجده رفته
و یادش آید نماز باطل است و اگر حمد را فراموش کرد و قبل از
رکوع یادش آمد برگردد و حمد و سوره را بخواند و اگر برکوع
رفته یادش آمد نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو کند
و در تشهد یا یک سجده یا صلوات اگر فراموش کند تا داخل رکوع
شود بعد از نماز اول قضای آنها را بلافاصله بجا آورد و بعد
دو سجده سهو کند

سجده سهو سجده سهو واجب شود برای سلام و کلام
و قیام و قعود بیجا و کم و زیادتی غیر رکن و شک بین چهار و پنج
و سجده سهو آن است که بعد از نیت بسجده رفته و این ذکر را

نام کتا
مؤلف
موضوع
سال چا
کاتب
طول
شماره ع
وقفی
مصور
ملاحظات

بخواند بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآل محمد و بعد از
سجده برخاسته و بار دیگر بسجده رود و همان ذکر را بخواند و بعد از
دو سجده مثل نماز تشهد بخواند و بگوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

در بیست و هفتم — فصل ششم

در شکیات

شکوک نماز بر سه قسمند — شکوک
غیر معتبره — شکوک صحیحه شکوک مبطله

شکوک غیر معتبر شکوک غیر معتبره شکهائی است که اعتنائی
بآنها نباید کرد و آنها پنج قسم است: اول شک بعد از محل
یعنی اگر شک کند در یکی از افعال نماز بعد از آنکه محل آن گذشته
و بفعل بعد شده باشد اعتنا نکند مثل اینکه شک کند
در تکبیرة الاحرام بعد از دخول در قرائت یا در قرائت بعد از
دخول در قنوت یا رکوع و اگر قبل از دخول در فعل دیگر باشد
باید آنچه را شک کرده بجا آورد
دوم شک بعد از وقت مثل اینکه بعد از مغرب شک کند
که نماز ظهر و عصر را خوانده یا نه یا در افعال و رکعات آنها

شک کند سیم شک بعد از سلام نماز چه در افعال نماز شک کند
یا در رکعات چهارم شک کثیر الشک یعنی کسیکه زیاد در افعال
یا رکعات نماز شک کند و این چهار صورت باید بنا را بصحت گذارد
نماز احتیاط لازم نیست پنجم شک هر یک از امام و مأموم با حفظ
دیگری که هر کدام شک کرد باید متابعت دیگری را نماید

شکوک مبطله شکوک مبطله شکهائیست که نماز را باطل
میکند و آنچه از آنها غالباً محل ابتلاء است از این قرار است
اول شک در رکعات نماز دو رکعتی یا سه رکعتی دوم شک میان
یک رکعت و زیادتر مطلقاً یا دو رکعت و زیادتر قبل از اکمال سجدتین
در نماز چهار رکعتی سیم شک در عدد رکعات نماز که نداند چند
رکعت بجا آورده

شکوک صحیحه شکوک صحیحه هشت صورت است
اول شک میان دو و سه بعد از سجده بنا را بر سه گذارد
و نماز را تمام کند بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا
یک رکعت ایستاده بجا آورد

نام ک
مؤلف
موضو
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظا

دوم شک میان سه و چهار هر جا که باشد بنا را بر چهار گذارد و بعد
از نماز دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده بجا آورد

درس بیست و هشتم

سوم شک میان دو و چهار بعد از دو سجده بنا را بر چهار گذارد
و بعد از نماز دو رکعت نماز ایستاده احتیاطاً بجا آورد چهارم شک
میان دو و سه و چهار بعد از دو سجده بنا را بر چهار گذارد و بعد از
نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا آورد
پنجم شک میان چهار و پنج اگر بعد از دو سجده باشد بنا را بر چهار
گذارد و بعد از سلام دو سجده سهو بجا آورد و اگر در حال قیام
باشد می‌نشیند و عمل سه و چهار را بجا میآورد ششم شک
میان سه و پنج در حال قیام می‌نشیند و حکم شک دو و چهار را
میکند و اگر بعد از رکوع باشد باطل است هفتم شک میان
سه و چهار و پنج در حال قیام می‌نشیند و حکم شک بین دو و سه
و چهار را بجا میکند هشتم شک میان پنج و شش در حال قیام
می‌نشیند و حکم شک بین چهار و پنج بعد از دو سجده را باید اتیان نماید

و اگر بعد از رکوع باشد نماز باطل است

تتمه شخص وقتیکه شک کرد باید قدری فکر کند اگر علم
یا ظن بیکطرف پیدا کرد بآن عمل کند و الا بحکم شک رفتار کند

نماز احتیاط نماز احتیاط مثل نماز صبح است مگر اینکه سوره
و قنوت ندارد و قرائت بحمد تنها اکتفا میشود و باید بعد
از نماز بدون فاصله منافی بجا آورده شود

سؤالات

مبطلات نماز چند قسم است؟ - آنهائیکه عمداً و سهواً نماز را باطل میکند
کدام است؟ - آنهائیکه سهواً نماز را باطل نمیکند کدام است؟ - اگر
سهواً یکی از واجبات نماز ترک شود چه حکم دارد؟ - سجده سهو برای چه امر
واجب است؟ - سجده سهو کدام است؟ - شکوک در نماز بر چند قسمند
شکوک غیر معتبره کدام است؟ - شکوک غیر معتبره را بیان نمائید؟ -
شکوک مبطله چیست و آنها کدامند؟ - شکوک صحیحه چند صورت است
شک میان دو و سه حکمش چیست؟ - شک میان سه و چهار حکمش چیست
شک میان دو و چهار چه حکم دارد؟ - شک میان دو و سه و چهار چه
حکم دارد؟ - شک میان چهار و پنج حکمش چیست؟ - شک میان سه و پنج
حکمش چیست؟ - شک میان سه و چهار و پنج چه حکم دارد؟ - شک
میان پنج و شش حکمش چیست؟ - آیا وقتیکه شخص در نماز شک کرد چه

نام ک
مولف
موضو
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظا

[illegible] - نماز احتیاط بچه نحو است ؟

درس بیست و نهم - فصل هفتم

در نماز جمعه در روز جمعه نماز گذار در زمان غیبت
امام مختار است[1] که نماز ظهر بخواند یا عوض آن نماز جمعه بخواند
نماز جمعه دو رکعت است مثل نماز صبح و وقت آن از اول
ظهر است تا وقتیکه سایه هر چیزی بقدر خود آن چیز شود

واجبات نماز جمعه

واجبات نماز جمعه علاوه بر آنچه در نمازهای دیگر واجب است
چهار است: اول آنکه بجماعت کرده شود و عدد جماعت
اقلا باید پنج نفر باشد دوم آنکه قبل از نماز باید دو خطبه
خوانده شود که مشتمل بر حمد و ثنای خدا و صلوات بر پیغمبر
و آل او و وعظ و قرائت یک سوره کوچک از قرآن یا یک آیه تمام
باشد خطیب باید وقت خطبه پاک و با طهارت باشد
و ایستاده خطبه بخواند و ما بین دو خطبه بنشیند

---

(۱) در زمان حضور امام معین است که نماز جمعه بخواند .

سوم آنکه بین دو جماعت که برای نماز جمعه منعقد میشود
اقلا یک فرسخ فاصله باشد

کسانیکه نماز جمعه از آنها ساقط است

نماز جمعه از چهار کس ساقط است: اول زن دوم بنده سوم
اشخاص کور و عاجز و بیمار و شل چهارم کسیکه از محل او تا محل
نماز جمعه بیش از دو فرسخ باشد

درس سی ام - فصل هشتم

نماز آیات و غیره نماز آیات واجب میشود برای گرفتن آفتاب
و ماه و زلزله و صاعقه و هر آیتی که ترسناک باشد چون
باد سرخ و سیاه و نماز آیات گویند و نماز آیات دو رکعت است
که در هر رکعتش پنج رکوع و دو سجود دارد باین طریق که بعد از
نیت و تکبیرة الاحرام حمد و سوره میخواند میرود برکوع بعد از رکوع
بر میخیزد باز حمد و سوره میخواند میرود برکوع تا پنجمین بعد از رکوع پنجم میرود
بسجود بعد از دو سجده بر میخیزد و رکعت دوم را هم همین نحو پنج حمد و سوره میخواند
و پنج رکوع میکند میرود بسجود بعد از دو سجده تشهد و سلام گفته نماز را ...

نام کـ
مولف
موضو
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظا

بشکند و قبل از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت
مستحب است و جایز است عوض پنج حمد و سوره ابتدا یکحمد
و یک آیه از یک سوره بخواند و برود برکوع و بعد از رکوع آیه بعد
از آن آیه بخواند و هم چنین بطوری که یک سوره پنج قسمت شود و در
رکعت دوم نیز همین طریق یکحمد و سوره را تمام کند

وقت نماز کسوف و خسوف از اول گرفتن آفتاب و ماه است تا باز شدن
آن و نماز زلزله و سایر آیات تا آخر عمر اداء است

نماز نذر و عهد و قسم

نماز نذر و عهد و قسم آنست که اگر کسی نذر کند یا عهد کند
یا قسم بخورد که نمازی بجا آورد باید بهمان طریق که نذر یا عهد کرده
یا قسم خورده بجا آورد بشرط آنکه کیفیت آن مخالف با نمازهائی که از
شرع رسیده نباشد پس نذر نماز پنج رکعتی باطل است

نماز طواف نماز طواف دو رکعت است جزء اعمال حج ذکر میشود

نماز میت سابقاً در جزء احکام میت ذکر شد

(۱) کافر اگر مسلمان شود نماز قضائی او ساقط میشود

درس سی و یکم — فصل نهم

نماز قضا اگر مسلمان نمازی بر او واجب باشد یا اینکه شرائط
وجوب آن موجود باشد و در وقتش عمداً یا سهواً از او ترک شود یا بواسطه
خواب یا مستی یا مرض یا بیهوشی نتواند نماز را بجا آورد باید قضا آنرا
در وقت دیگر بهمان طریق که فوت شده بجا آورد

نماز فوت شده از پدر بعد از فوت پدر بر پسر بزرگتر واجب است که
قضاء نمازهای فوت شده از پدر خود را اگر بسبب عذری از او فوت شده بجا آورد

نماز استیجاری ممکنست کسی را اجیر نمایند که نماز فوت شده
میت را بجا آورد و در این صورت بر آن شخص لازم است بهمان نحوی که
اجیر شده عمل کند و این نماز را استیجاری میگویند

درس سی و دوم — فصل دهم

نماز مسافر نماز قصر آنستکه از نماز چهار رکعتی یومیه
که نماز ظهر و عصر و عشا باشد دو رکعت آخر آن ساقط میشود
و همان دو رکعت اول را باید بخواند؛ نماز صبح و مغرب بحال خود باقی است
نماز مسافر قصر است به پنج شرط: اول آنکه قصد رفتن هشت

فرسخ نبوده باشد یا قصد چهار فرسخ یا قصد برگشتن در همان
روز ولی اگر قصد کمتر از ده داشته باشد باید تمام بخواند

دوم آنکه در اثناء سفر بجائی نرسد که در آنجا ملک داشته باشد
یا شش ماه متوالی در آنجا توطن کرده باشد یا قصد اقامه ده روز در آنجا نماید
و اگر سی روز در یکجا مانده مردد باشد در هر فرض نماز
بعد از سی روز نماز را تمام کند

سیم آنکه سفر او سفر معصیت نباشد مثل آنکه برای دزدی
کردن یا اعانت ظالم برود

چهارم آنکه کثیر السفر نباشد یعنی سفر کردن شغل و کار او نباشد
مثل مکاری و کشتیبان

پنجم آنکه بحد ترخص برسد یعنی بقدری از محل اقامت خود دور
شود که اذان آنجا را نشنود یا دیوارهای آنجا را نبیند

فرسخ شرعی [illegible] هزار ذراع است بذراع دست [مشهور ذرع]
[illegible] کوفه و آستانه [illegible]
[illegible] است که قصر بخواند یا تمام

فصل یازدهم در نماز جماعت

جماعت در نماز جمعه چنانچه ذکر شد واجب است و در نماز
یومیه و سایر نمازهای واجب مستحب مؤکد است فضیلت بسیار
دارد و کمتر عددی که بآن جماعت منعقد میشود دو نفر است
امام و دیگری مأموم

شرایط نماز جماعت شرایط نماز جماعت پنج است
اول آنکه امام بالغ و عاقل و شیعه اثنی عشری و عادل باشد
و ایستاده نماز بخواند دوم آنکه پیشنماز مرد باشد و اما پیشنماز
زن میتواند زن باشد سیم آنکه مأموم جلوتر از امام نایستد
بلکه عقب سر یا پهلوی او باشد چهارم آنکه مأموم زیاد دور
از امام نایستد و بین او و بین امام حائلی نباشد که مانع
دیدن امام باشد مگر مأموم دیگر و در زن اگر بین او و امام
حائلی باشد ضرر ندارد پنجم آنکه مکان امام بیشتر از یک وجب
بلندتر از مکان مأموم نباشد و اما جای مأموم هرقدر بلندتر
باشد عیب ندارد.

عادل آنست که گناه کبیره نکند و اصرار بر گناه صغیره نداشته باشد

احکام جماعت

(۱) از ماموم حمد و سوره ساقط است ولی تسبیحات اربع و سائر افعال ساقط نیست

(۲) هیچ فعلی را ماموم نباید جلوتر از امام بجا آورد

(۳) قصد اقتدا بامام معین واجب است

(۴) در هر رکعت که ماموم قبل از آنکه امام از رکوع برخیزد بامام برسد آن رکعت را ادراک کرده والا بآن رکعت نرسیده است و هرگاه ماموم در اثناء نماز امام برسد آنچه را که درک کرده اول نمازش قرار داده و با امام همراهی کند و بعد از سلام امام باقی نمازش را آهسته بخواند

(۵) در هر موقعی ماموم میتواند قصد انفراد کند مگر در مثل نماز جمعه که جماعت در آن شرط است

(۶) هر یک از نمازهای یومیه را میتوان بدیگری اقتدا کرد مثل اینکه امام نماز ظهر را بخواند و ماموم نماز عصر را اقتدا کند

در روز جمعه نماز کدام چه حکمی دارد؟ - نماز جمعه چند رکعت است؟ - وقت نماز جمعه کی است؟ - واجبات نماز جمعه چند چیز است؟ - نماز جمعه از چند کس ساقط است؟ - نماز آیات برای چه چیزها واجب شود؟ - نماز آیات چند رکعت است؟ - و بچه طریق خوانده میشود؟ - وقت نماز خسوف و کسوف کی است؟ - نماز زلزله و سایر آیات تا کی اداء است؟ - نماز نذر و عهد و سوگند کدام است؟ - نماز طواف چند رکعت است؟ - چه کس باید قضاء نماز را بجا آورد؟ - بعد از فوت پدر قضاء نماز او بر که واجب است؟ - ممکن است کسی را اجیر نماید برای نماز فوت شده از میت یا نه؟ - نماز قصر کدام است؟ - شرایط نماز مسافر چند چیز است و کدامند؟ - فرسخ شرعی چند راه است؟ - در کجا اختیار است مسافر بین قصر و اتمام؟ - جماعت در کدام نماز واجب است و در کدام مستحب؟ - کمتر حدی که نماز جماعت بآن منعقد میشود چند نفر است؟ - شرایط نماز جماعت چند چیز است؟ - عادل کیست؟ - احکام نماز جماعت چیست؟ - ماموم میتواند فعلی پیش از امام بجا آورد یا نه؟ - قصد اقتدا بامام معین واجب است یا نه؟ - چه وقت ماموم بامام برسد رکعت را ادراک کرده؟ - هرگاه ماموم در اثناء نماز امام برسد چه باید بکند؟ - ماموم میتواند قصد انفراد کند یا نه؟ - هر یک از نمازهای یومیه را میتوان بدیگری اقتدا کرد یا نه؟ - (۱)

درس سی و سیم - باب سیم - در اقسام و احکام روزه

فصل اول در اقسام روزه

حکمت روزه توجه بخدا داشتن و باخبر شدن از حال فقرا و کم شدن [illegible]

نام کتا
مؤلف
موضوع
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظا

روزه امساک نمودن از طلوع فجر است تا مغرب بشرعی از چیزهاییکه ذکر میشود بنیت روزه

روزه بر چهار قسم است - واجب - حرام - مستحب - مکروه

روزه‌های واجب روزه‌های واجب چهار است

اول روزه ماه رمضان و قضای آن دوم روزه کفاره سیم روزه واجب بنذر و عهد و یمین یا اجاره چهارم روز سیم اعتکاف

روزه‌های حرام روزه‌های حرام هشت است: اول روزه عید رمضان و قربان دوم روزه یوم الشک یعنی روزیکه معلوم نیست آخر شعبان است یا اول رمضان بقصد رمضان سیم روزه صمت یعنی با نیت روزه قصد کند که از صبح تا شب حرف نزند چهارم روزه وصال یعنی قصد کند که زیاده بر یک صبح تا شب امساک کند مثل اینکه از سحر تا سحر دیگر چیزی نخورد یا دو شبانه روز امساک نماید پنجم روزه واجب در سفر مگر آنکه سفر او حرام باشد یا سفر شغل او باشد ششم روزه روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه برای کسیکه در منا باشد

هفتم روزه مستحبی گرفتن زن بی اذن شوهر و بنده بی اذن آقا هشتم روزه کسیکه روزه برای او ضرر دارد

درس سی و چهارم

فصل دوم - در - روزه ماه رمضان

روزه ماه رمضان واجب است بر کسیکه بالغ و عاقل و حاضر و سالم از مرض و خالی از حیض و نفاس باشد نیت روزه را باید پیش از طلوع فجر نماید در صورتیکه جاهل بوده یا فراموش کرده باشد تا قبل از ظهر هر وقت یادش آید نیت کند اگر مفطری عمل نیاورده باشد

اشخاصی که روزه از آنها صحیح نیست اشخاصیکه روزه از آنها صحیح نیست از این قرارند: اول دیوانه دوم کافر سیم زنی که در حیض یا نفاس باشد چهارم مسافری که نماز او قصر باشد پنجم کسی که از روزه ترس ضرر داشته باشد یا بر خودش مثل اینکه بترسد که ناخوش شود یا ناخوشی او طول کشد یا بر طفل مثل مرضعه که بترسد شیرش کم شود یا حامله که از روزه بر خود یا طفلش بترسد

۲ روزه نفل مثلاً از [illegible] اجاره جزء روزه رمضان حساب شود بعضی از [illegible] اعمال لغو را داخل کفاره [illegible]

نام کتاب
مولف
موضوع
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظا

ششم پیرمرد و پیرزن که روزه برایشان سخت باشد هفتم کسی که
بواسطه مرض عطش نتواند صبر کند
حامل و مرضعه و کثیر العطش باید عوض هر روز یک مد طعام
صدقه بدهد [مد یک چارک الا شش مثقال است تقریباً]
غیر از دیوانه و کافر هر وقت توانستند باید قضای روزه را بگیرند
بر طفل روزه واجب نیست ولی از او صحیح است

ثبوت ماه رمضان ماه رمضان به پنج چیز ثابت میشود
اول دیدن هلال دوم گذشتن سی روز از اول شعبان
سیم شهادت دو مرد عادل چهارم حکم حاکم شرع که خطای
او معلوم نباشد پنجم شیاع و هرچه مفید علم باشد

درس سی و پنجم - فصل سیم
در مفطرات یا مبطلات روزه

مفطرات روزه که باید از آنها امساک نمود ده امر است
اول و دوم خوردن و آشامیدن سیم غبار درو غلیظ بحلق
رساندن چهارم سر زیر آب فرو بردن پنجم و ششم بوجنابت

جنب خود را در روز جنب کردن هفتم تا صبح غسل جنابت
یا حیض یا نفاس نکردن هشتم دروغ بخدا و پیغمبر و ائمه بستن
نهم قی کردن دهم حقنه کردن بمایع
هر یک از این ده چیز در صورت عمد روزه را باطل میکند نه در
صورت سهو
هرگاه کسی روزه ماه رمضان را بیکی از این مفطرات عمداً
و بدون اکراه باطل کند باید هم قضای آنرا بگیرد و هم کفاره بدهد

کفاره رمضان کفاره رمضان یکی از سه چیز است
بنده آزاد کردن یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن یا شصت
مسکین را طعام دادن

خاتمه واجب است بر پسر بزرگ قضای روزه که از پدر
او بسبب عذری فوت شده باشد و میتواند شخصی را اجیر کند
که بجای میت روزه بگیرد و آنرا روزه اجاره گویند

سؤالات امتحانیه

روزه چیست؟ - روزه های واجب چند تا است؟ - روزه های حرام چند
تا؟ مفادیت و استمنا

نام کت
مؤلف
موضوع
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظا

روزه ماه رمضان بر چه کس واجب است؟ - نیت روزه واجب چه وقت باید کرد؟ - چرا استحاضی روزه انها صحیح است؟ - ماه رمضان بچند چیز ثابت میشود؟ - مبطلات روزه چند امر و کدامند؟ - هر یک از این ده چیز روزه را باطل میکند یا مطلقا؟ - اگر کسی روزه ماه رمضان را بعمد از انها باطل کند چه باید بکند؟ - کفاره رمضان چیست؟ - قضاء روزه پدر بر پسر واجب است یا نه؟ - میتوان شخصی را اجیر کرد برای روزه میت یا نه؟

درس سی و ششم - باب چهارم در زکوة

فصل اول[1] در اقسام زکوة و آنچه زکوة در آنها واجب است

زکوة بر دو قسم است: زکوة فطره - و زکوة مال

زکوة فطره زکوة فطره یا زکوة بدن آنست که در شب عید فطر که شب غره شوال است واجب است شخص از جنبه خود و هر یک از عیالاتش بدهد بشرط آنکه بالغ و عاقل و آزاد و قادر بر موونه سالیانه خود و عیالش باشد و واجب النفقه[2] و مهمان کسی در شب عید نباشد

---

(۱) **حکمت** زکوة فراهم نمودن مال است برای قشون و نظم و حفظ حدود و امنیت مملکت و نگاهداری عجزه و فقراء و غیره

(۲) واجب النفقه پدر و مادر و اولاد و زوجه است

مقدار آن سه من تبریز گندم یا جو یا خرما یا مویز یا برنج غالب شخص است که در شب عید معین کرده صبح عید بدهد و اگر مهمان در شب عید برسد باید فطره او را هم بدهد

زکوة مال واجب است بر کسیکه بالغ و عاقل و آزاد و قادر بر تصرف در آن مال باشد و در نه چیز واجب میشود

اول و دوم نقدین یعنی طلا و نقره - سیم و چهارم و پنجم و ششم غلات اربع یعنی گندم و جو و مویز و خرما هفتم و هشتم و نهم انعام ثلاثه یعنی شتر و گاو و گوسفند

درس سی و هفتم - فصل دوم در زکوة نقدین

شرط وجوب زکوة در نقدین سه امر است

اول آنکه سکه معامله داشته باشد دوم آنکه بمقدار نصاب باشد یعنی مقداریکه باید مال با آن مقدار برسد تا زکوة واجب شود سیم گذشتن حول یعنی یازده ماه که مقدار نصاب در ملک شخص باشد و اول ماه دوازدهم زکوة واجب میشود

نصاب نقدین نصاب طلا بیست مثقال شرعی است در کمتر از آن زکوة نیست و بعد از آن در هر چهار مثقال که برسد زکوة هست

نصاب نقره دویست درهم است در کمتر از آن زکوة نیست و بعد از آن در هر چهل درهم زکوة است و مقدار زکوة طلا و نقره چهل یک است پس زکوة بیست مثقال طلا نیم مثقال و چهار مثقال ده یک مثقال - و زکوة دویست درهم پنج درهم است و زکوة چهل درهم یک درهم

مثقال شرعی سه ربع مثقال صیرفی است پس بیست مثقال شرعی پانزده مثقال صیرفی است

دویست درهم مطابق با صد و پنج مثقال صیرفی است و یک درهم دوازده نخود و سه خمس نخود است

فصل سیم - در زکوة غلات اربع

شرط وجوب زکوة در غلات اربع دو امر است

اول آنکه زکوة دهنده خود این اجناس را کاشته باشد

یا آنکه قبل از آنکه خرما زرد و سرخ شود و گندم و جو و مویز دانه ببندد بملک او در آید

دوم رسیدن بنصاب بعد از وضع کلیه مخارج از آنها نصاب هر یک از این چهار چیز سیصد صاع است و در کمتر از آن زکوة نیست و هر چه از این مقدار زیاد شود اگر چه یکمن باشد در آن زکوة واجب است و زکوة اینها ده یک است اگر با باران یا آب باران عمل آمده باشند و نیم عشر اگر بچرخ و اسباب آب کشی بعمل آید

وقت دادن زکوة غلات وقت چیدن خرما و انگور و پاک کردن غله از کاه است (سیصد صاع دویست و هشتاد و هشت من تبریز الا چهل و پنج مثقال است)

درس سی و ششم - فصل چهارم
در زکوة انعام ثلاثه

شرط وجوب زکوة در انعام ثلاثه چهار امر است

اول حول یعنی یازده ماه در ملک زکوة دهنده باشد

دوم آنکه تمام سال خود از علف صحرا چریده باشد نه از علف مالك

سوم آنکه کارکن نباشد چهارم نصاب است

نصاب شتر نصاب شتر دوازده است

پنج اول از پنج است(۱) تا بیست و پنج در هر پنج یک گوسفند

درس سی و هفتم

ششم بیست و شش و در آن یک شتر ماده که داخل در سال دوم شده باشد

هفتم سی و شش و در آن یک شتر است که داخل در سال
چهارم شده باشد

هشتم چهل و شش و در آن یک شتر که داخل در سال
چهارم شده باشد بدهد

نهم شصت و یک و در آن یک شتر که داخل در سال
پنجم شده باشد بدهد

دهم هفتاد و شش و در آن دو شتر که داخل در سال سوم شده باشد بدهد

(۱) یعنی نصاب اول پنج است نصاب دوم ده و نصاب سوم پانزده و نصاب
چهارم بیست و نصاب پنجم بیست و پنج

یازدهم نود و یک و در آن دو شتر که داخل در سال چهارم
شده باشد بدهد

دوازدهم صد و بیست و یک به بالا و هرچه بیشتر شود در هر
پنجاه شتر یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد یا در
هر چهل شتر یک شتر که داخل سال سوم شده باشد

درس چهلم — نصاب گاو

نصاب گاو دو تا است: اول سی و در آن یک گوساله دو ساله
دوم چهل و در آن یک گاو ماده است که داخل سال سوم
شده باشد و در زیاده بر چهل اختیار است که سی سی حساب کند
و در هر سی یک گوساله دو ساله بدهد یا چهل چهل حساب
کند و در هر یک چهل یک ماده گاو سه ساله بدهد

نصاب گوسفند نصاب گوسفند پنج است

اول چهل گوسفند و در آن یک گوسفند است

دوم صد و بیست و یک و در آن دو گوسفند است

سوم دویست و یک و در آن سه گوسفند است

چهارم سیصد و یک که در آن چهار گوسفند است

پنجم چهارصد که در آن و هر چه بیشتر شود در هر صد یک گوسفند بدهند

درس چهل و یکم - فصل پنجم

در مستحقین زکوة و آنها هفت طایفه اند

اول فقرا و مساکین و آنها کسانی هستند که قوه تحصیل آذوقه یکساله خود را نداشته باشند

دوم کسانیکه جمع آوری زکوة میکنند

سیم اشخاصی که کمک مسلمین در جهاد میکنند اگر چه کافر باشند

چهارم برای آزاد کردن هر بنده که در سختی باشد

پنجم قرضداری که نتواند قرض خود را بدهد

ششم مطلق خیرات و هر چه نفع عامه در آن باشد مثل جهاد و پل و مسجد ساختن و غیر اینها

هفتم کسیکه در غربت بی خرج مانده و دستش بمالش نرسد

خاتمه در مستحق زکوة شرط است که واجب النفقه زکوة دهنده نباشد چون پدر و مادر و اولاد و زن و همچنین سید نباشد در صورتیکه زکوة دهنده غیر سید باشد

سؤالات

زکوة بر چند قسم است؟ - زکوة فطره کدام است؟ - مقدار زکوة فطره چقدر است؟ - زکوة مال بر کی واجب است؟ - زکوة مال در چند چیز واجب میشود؟ - شرط وجوب زکوة در نقدین چند امر است؟ - نصاب طلا چقدر است؟ - مقدار زکوة طلا و نقره چیست؟ - مثقال شرعی چه نسبت با مثقال صیرفی دارد؟ - دویست درهم مطابق با چند مثقال صیرفی است؟ - شرط وجوب زکوة در غلات اربع چند امر است؟ - نصاب هر یک از غلات اربع چقدر است؟ - زکوة غلات اربع چند یک است؟ - هشتصد صاع چند من تبریز است؟ - شرط وجوب زکوة در انعام ثلاث چند امر است؟ - شتر چند نصاب دارد و کدامند؟ - نصاب گاو چند تا است؟ - نصاب گوسفند چند تا است؟ - مستحقین زکوة چند طایفه اند و کدامند؟ - شرط مستحق زکوة چیست؟ -

درس چهل و دوم - باب پنجم

در خمس و مصرف آن(۱)

---

(۱) حکمت خمس فراهم نمودن مالیست برای امام و منافع عمومی و نگاهداری سادات فقیر و یتیم و غریب

نام کتا
مؤلف
موضوع
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظا

فصل اول — در آنچه خمس بآن تعلق میگیرد

خمس عبارت از پنج یک مال است که باید داده شود و آن بهفت چیز تعلق میگیرد: اول مالیکه از کفار حربی بدست آید. دوم معدن مثل فیروزه و مس و نمک و غیر آن. سیم گنج که از زمین بیرون آید و در وجوب خمس در معدن و گنج شرط است که بعد از وضع مخارج قیمت بقیه اقلاً پانزده مثقال صیرفی طلا شود. چهارم چیزهائیکه از دریا بغوص و فرو رفتن در آن بیرون آورند بشرط آنکه بعد از وضع مخارج قیمت بقیه آن اقلاً یک مثقال صیرفی طلا باشد. پنجم زمینیکه ذمی از مسلم بخرد که باید ذمی خمس آنرا بدهد. ششم مال حلالیکه مخلوط بحرام شود و مالک مقدار حرام معلوم نباشد بعد از بیرون دادن خمس آن باقی حلال میشود. هفتم منافعیکه از تجارت و صنعت و زراعت و هر نوع کسب حاصل شود بعد از وضع مخارج خود و عیال بطور میانه روی هر چه زیاد بماند خمس آنرا باید بدهد.

فصل دوم — در مصرف خمس

خمس نصفش مال امام است که در زمان غیبت باید بمجتهد بدهند که او بمصارف سادات و غیره برساند. و نصف دیگر مال یتیم و فقیر و ابن السبیل یعنی غریب از سادات است که شیعه اثنی عشری و فقیر باشند. و سید کسی است که از طرف پدر از اولاد هاشم باشد که جد حضرت پیغمبر (ص) است.

سؤالات

خمس چه معنی است؟ - خمس بچند چیز تعلق میگیرد؟ - و آنها کدامند؟ - خمس مال کیست؟ - و بکه باید برسد؟ - سید چه کسی است؟ -

درس چهل و ششم

باب ششم — در احکام حج (۱)

فصل اول در شرایط وجوب حج و اقسام آن

حج زیارت کردن مکه معظمه است بنحویکه از شرع رسیده

حکمت حج توجه بخدا کردن و جمع شدن مسلمین است از بلاد مختلفه و اطلاع پیدا کردن از اخلاق و عادات و صنایع و تجارت هر مملکت و تحصیل اتحاد در علوم و ترویج مذهب

حج بر حسب اصل شرع در تمام عمر یکمرتبه واجب میشود
و آنرا حجة الاسلام گویند و گاهی بسبب نذر و غیر آن نیز حج واجب میشود
حجة الاسلام بر کسی واجب است که بالغ و عاقل و آزاد و
مستطیع باشد

استطاعت حاصل میشود بچهار امر: اول استطاعت
مالی باینکه قدرت و تمکن داشته باشد بر خرج رفتن بمکه
و برگشتن خود از جهت آذوقه و مرکب سواری و غیره و همچنین
قادر باشد بر مخارج کسانیکه واجب النفقه او هستند
تا وقت برگشتن بقدر شان و شرفشان و بعد از برگشتن
بذلت نیفتند دوم استطاعت بدنی باینکه مریض نباشد
که رفتن و سواری بر او سخت باشد سیم استطاعت زمانی
باینکه وقت رفتن و رسیدن بمکه در موقع حج برای او باشد
چهارم امن بودن راه و مانع نداشتن از اعمال حج هر وقت
این شرایط جمع شد در همان سال باید حج کند و تأخیر نیندازد
و اگر امسال نرفت سال دوم باید برود و هکذا

حج بر سه قسم است: حج تمتع - حج افراد - حج قران
حج تمتع بر کسی واجب است که منزل او از مکه اقلاً شانزده
فرسخ دور باشد

و حج افراد و قران بر کسی واجب است که کمتر از این مقدار
از مکه دور باشد یا در خود مکه باشد

و هر یک از این سه قسم مشتمل است بر یک عمره و یک حج

درس چهل و چهارم - فصل دوم

در اعمال عمره تمتع و حج تمتع بطریق اجمال

اعمال عمره تمتع پنج است: اول احرام - دوم طواف - سیم
نماز طواف - چهارم سعی بین صفا و مروه پنجم تقصیر

اعمال حج اعمال حج چهارده است

اول احرام - دوم وقوف بعرفات سیم وقوف بمشعر - چهارم
افاضه از مشعر بمنی - پنجم رمی جمره عقبه - ششم قربانی -
هفتم حلق - هشتم طواف - نهم نماز طواف - دهم سعی -
یازدهم طواف نساء دوازدهم نماز طواف نساء - سیزدهم

نام کت
مؤلف
موضو
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظا

مبیت بمنی - چهاردهم ذی حجه است

فصل سیم

در بیان احرام عمره تمتع: اول افعال عمره تمتع آنست که شخص وقتی بمیقات رسید باید از آنجا احرام عمره ببندد باین طریق که نیت احرام عمره تمتع نموده و این ذکر را بگوید اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ وَالْمُلْکَ لَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ و این را تلبیه گویند و بعد لنگ ببندد و پارچه بدوش خود بیاندازد که تا زیر دوش باشد و این دو را جامهٔ احرام گویند

میقاتها عبارت از پنج جا است که وقتی حاجیان بآنجا یا محاذی آن رسیدند باید احرام ببندند و گذشتن از آنجا بی احرام جایز نیست

اول ذوالحلیفه که حاجیان از راه مدینه که بمکه میروند بآنجا میرسند

دوم جحفه است که از راه شام بآنجا میرسند

سیم یلملم است که از راه یمن بآنجا میرسند

چهارم قرن المنازل است که از راه طایف بآنجا میرسند

پنجم عقیق که از راه عراق عرب بآنجا میرسند

درس چهل و پنجم - فصل چهارم

در محرمات احرام یعنی چیزهائیکه محرم باید از آنها اجتناب کند و آنها هفده امر است: اول شکار کردن و کمک دادن در شکار کردن و نشان دادن و خوردن و نگاه داشتن آن دوم جماع و مقدمات آن و صیغه نکاح خواندن و شاهد آن شدن سیم استعمال عطر و بوی خوش و از بوی بد بینی گرفتن چهارم پارچه دوخته پوشیدن برای مرد یا چیزیکه پشت پا را بپوشاند مثل چکمه برای مرد فقط پنجم لا والله و بلی والله گفتن و دروغ گفتن ششم شپش کشتن یا از بدن و جامه انداختن هفتم روغن به بدن مالیدن هشتم رفتن در زیر سایه چیزی که بالای سر او باشد و سر را پوشانیدن نهم سر ...

(۱) و اگر بالای سر نباشد مثل اینکه در سایه جائی راه برود ضرری ندارد

مو از بدن جدا کردن دهم سلاح پوشیدن یازدهم بجهت زینت انگشتر در دست کردن و سرمه کشیدن دوازدهم زن زینت خود را بشوهر و محارم خود اظهار کردن

درس چهل و ششم

فصل پنجم — در طواف — و نماز آن

بعد از احرام اول افعال عمره طواف است که باید از میقات بمکه رفت و بجا آورد و آن گردیدن بدور خانه کعبه است و در آن هشت چیز واجب است: اول طهارت از حدث و خبث دوم ختنه کردن مرد اگر ختنه نکرده است سیم نیت طواف چهارم گردیدن بدور کعبه هفت نوبت باشد که هر نوبت را شوط گویند پنجم شروع بطواف از حجر(۱) و همانجا ختم کند ششم کعبه را در طواف طرف چپ خود قرار دهد هفتم آنکه طواف بین مقام ابرهیم و خانه باشد هشتم حجر اسمعیل را داخل طواف نماید

(۱) حجر سنگی است چسبیده بخانه کعبه

نماز طواف بعد از طواف باید دو رکعت نماز در مقام ابرهیم بخواند عقب یا پهلوی آن و این نماز نماز طواف است

فصل ششم — در سعی — و تقصیر

بعد از طواف واجب است سعی بین صفا و مروه و آن رفتن از صفا بمروه و از مروه بصفا است واجب است در آن نیت و ابتدا کردن بصفا و ختم بمروه و هفت شوط پی در پی سعی کردن که از صفا بمروه یکشوط و برگشتن شوط دیگر است

تقصیر بعد از سعی باید تقصیر کرد و آن گرفتن ناخن است یا قدری از موی بدن جدا کردن و بعد از تقصیر آنچه در احرام حرام بود حلال میشود و تا اینجا افعال عمره تمام میشود

درس چهل و هفتم — فصل هفتم

در افعال واجبه حج تمتع

بعد از عمره شروع میکند باعمال حج تمتع و اول آنها احرام است بطریقیکه در احرام گفته شد الا اینکه میقات احرام حج شهر مکه است که از آنجا احرام می بندد

وقوف بعرفات بعد از احرام میروند بعرفات و از ظهر تا شام روز نهم ذیحجه در آنجا میمانند و این وقوف بعرفات است

وقوف بمشعر بعد از مغرب روز نهم ذیحجه قبل از نماز آنها از مغرب از عرفات میروند بمشعر الحرام و تا طلوع آفتاب روز عید در آنجا میمانند

افاضه از مشعر بمنی - بعد از وقوف بمشعر بطرف منی میروند و باید بعد از طلوع آفتاب روز عید قربان در منی باشند و در آنجا سه امر بجا آورند

اول رمی جمره عقبه یعنی هفت سنگ ریزه بمیلیکه آنرا جمره عقبه گویند میزنند

دوم بعد از رمی جمره قربانی کند یعنی یک گوسفند یا گاو یا شتر میکشند و از آن صدقه میدهند

سیم بعد از قربانی چیزی از موی خود ازاله کند و آنرا حلق گویند

بعد از حلق بمکه میروند و در مکه سه امر بجا میآورند

اول طواف حج میکنند با نماز آن دوم سعی بین صفا و مروه سیم طواف نساء با نماز آن بطریقیکه در عمره گفته شد بعد از آنکه این کارها را در مکه کردند برمیگردند بمنی و شب یازدهم و دوازدهم ذیحجه را در آنجا میمانند و در هر یک از آن دو روز اول جمره اولی و بعد جمره وسطی و بعد جمره عقبه[1] را هفت سنگریزه میزنند و افعال حج تمام میشود تمام این افعال باید با نیت بجا آورده شود

درس چهل و ششم - فصل ششم
در بیان حج افراد و قران

افعال حج افراد و قران مثل افعال حج تمتع است مگر اینکه عمره تمتع قبل از حج است و طواف نساء ندارد و عمره افراد و قران بعد از حج است و طواف نساء دارد که بعد از تقصیر طواف نساء و نماز را بجا بیاورد

و احرام حج قران و افراد باید از میقات باشد یا منزل او اگر نزدیکتر بمکه باشد یا مکه اگر منزل او در خود مکه باشد و فرق بین افراد

(1) جمرات از آنها اسم مکانی است

نام کتا
مولف
موضوع
سال چ
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظ

ورد است که در حج قران مختار است که در وقت نیت احرام
تلبیه بگوید مثل تمتع یا اینکه اشعار یا تقلید کند
و اشعار آن است که شتری را که بجهت قربانی میبرد جانب راست
کوهان او را زخم زند و بخون آلوده کند و تقلید آن است که
که بگردن قربانی که میبرد نعلین بیاویزد که در آن نماز
خوانده باشد (۱)

سؤالات

حج کدام است؟ حج در تمام عمر چند مرتبه واجب است؟ حجة الاسلام
بر چه کس واجب است؟ استطاعت بچند امر حاصل میشود؟ در دوم
سال باید حج کرد؟ حج بر چند قسم است؟ حج تمتع بر که واجب است؟
حج افراد و قران بر که واجب است؟ هر یک از سه قسم حج مشتمل بر چیست؟
اعمال عمره تمتع چند تا است؟ اعمال حج چند تا است و کدامند؟
اول اعمال عمره تمتع چیست؟ احرام بچه طریق است؟ میقات عبارت از
چیست؟ تروک احرام چند امر و کدامند؟ بعد از احرام چه باید کرد؟ طواف
کدام است؟ در طواف چند چیز واجب است؟ و کدامند؟ نماز طواف
کدام است؟ سعی کدام است؟ در سعی چه واجب است؟ تقصیر کدام است؟
بعد از عمره اول افعال حج تمتع چیست؟ وقوف بعرفات چیست؟ چه روز
باید بمشعر رفت؟ بعد از وقوف بمشعر چه باید کرد؟ در منی چند امر

(۱) چونکه بنای این کتاب بر اختصار است لذا از ذکر کفارات و بعضی از احکام حج صرف نظر شد

بجا میآورد؟ بعد از فراغ از اعمال مکه کجا میرود؟ و چه کار میکند؟
در این اعمال نیت لازم است یا نه؟ اعمال حج افراد و قران چیست؟
احرام حج افراد و قران از کجا است؟ فرق بین افراد و قران چیست؟ اشعار
کدام است؟ تقلید چیست؟

درس چهل و نهم

باب هفتم در جهاد و امر بمعروف و نهی از منکر

فصل اول در جهاد است

جهاد (۱) بر دو قسم است: جهاد بمعنای حمله و جهاد بمعنای دفاع
جهاد بمعنای حمله مخصوص است بزمان حضور امام و مشروط است
بامر امام یا نایب خاص او و در زمان غیبت واجب نیست
جهاد از طفل و دیوانه و زن و اشخاص پیر و کور و زمینگیر
و مریض و عاجز از جنگ و امثال آنان ساقط است
جهاد با سه طایفه واجب است: اول یهود و نصاری و مجوس
و اینها را کتابی و اهل کتاب گویند از جهت اینکه دارای کتاب

(۱) حکمت جهاد حفظ و دفاع از مملکت و دیانت اسلام و ترویج و انتشار مذهب و جلوگیری از تسلط دیگران است به مملکت و مال و عرض و ناموس اهالی

نام ک
مولف
موضو
سال
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظ

اسلام و پیغمبر بوده اند و با این طایفه جهاد واجب است بحکم
امام تا اینکه مسلمان شوند یا شرایط ذمه را قبول کنند و
یا بر حسب مصلحت امام با آنها صلح کند یا امان دهد

شرایط ذمه شرایط ذمه شرایطی است که امام با اهل
کتاب قرار میدهد که بعضی از آنها از این قرار است
(۱) جزیه دادن (۲) اطاعت کردن احکام مسلمین را و تب
نکردن آنها (۳) مرتکب محرمات نشدن علناً (۴) جاسوسی
نکردن برای کفار و در صورت قبول شرایط ذمه جان و مال و ناموس
ایشان محترم است و تعرض با آنها جایز نیست

جزیه یک نوع مالیاتی است که امام قرار میدهد هر ساله
بدهند و تعیین آن بسته بنظر امام است

طایفه دوم کفار حربی یعنی غیر کتابی و با آنها بامر امام جهاد
واجب است تا اینکه مسلمان شوند مگر اینکه امام آنها را امان
دهد یا با آنها صلح کند

طایفه سوم کسانیکه بر امام یاغی شده اند و با آنها باید جنگ

کرد تا مطیع شوند

دفاع جهاد بمعنای دفاع وقتی واجب است که کفار بخواهند مملکت
اسلامی یا مقداری از آنرا تصرف کنند یا مسلمین را اسیر کنند
یا اموال ایشان را بغارت ببرند در این صورت دفاع واجب است
بر تمام مسلمین مرد و زن آزاد و بنده سالم و مریض چه در زمان
حضور و چه در زمان غیبت بهر طریقیکه ممکن شود و اذن امام
در آن لازم نیست و هیچ شرطی ندارد و بر حسب مقتضیات زمان
باید اسبابرا از قبیل اسلحه و تحصیل علم نظام و غیره تهیه
کرده و اقدام نمود

غنیمت و احکام آن غنیمت مالی است که مسلمین در جنگ
از کفار بگیرند و آن بر دو قسم است منقول و غیر منقول
منقول چون اثاث البیت و لباس و اسب و غیره بعد از وضع
مخارج جنگ و خمس باقی هرچه بماند بین جهاد کنندگان قسمت
میشود سواره دو سهم و پیاده یکسهم میبرد
و غیر منقول مثل شهر و زمین مزروعه و غیره بعد از وضع خمس

نام ک
مولف
موضو
سال ج
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظ

با آنها مال تمام مسلمین است که منافع آنها صرف منافع عمومی
مسلمین شود ولهذا اراضی مفتوحة العنوة گویند

و مثل اراضی که اهل آن بطوع اسلام آورده‌اند

درس پنجاهم

فصل در امر بمعروف و نهی از منکر

معروف یعنی کار نیک اگر واجب باشد چون نماز واجب امر بان واجب است و اگر مستحب باشد امر بان مستحب است و اگر مکروه باشد نهی از ان مستحب است و شرایط وجوب امر بمعروف و نهی از منکر چهار است: اول آنکه خود امر بمعروف و نهی از منکر را بداند تا بغلط امر و نهی نکند دوم آنکه احتمال بدهد که امر و نهی او اثر میکند پس اگر بداند اثر نمیکند واجب نیست سیم آنکه کسی که کار بد میکند توبه نکرده باشد پس اگر پشیمان شده و توبه کرده باشد امر و نهی واجب نیست

حکمت امر بمعروف و نهی از منکر تربیت هر ملت و افراد مهم است و اجرای احکام و امتثال امر و جلوگیری از افعال بد و ظلم و تعدی و اعمال منفوره عمال مملکت و ملت و غیره

چهارم آنکه امر و نهی موجب مفسده و ضرری بوجود او یا یکی از مسلمانان نشود - پس اگر این شروط محقق شد باید شخص اولا آزردگی نماید و اگر بداند بفهمد اثر نمیکند از او دوری کند و اگر آن هم اثر نکند او را نصیحت کند و موعظه نماید و اگر آنهم اثر نکند او را بزند تا ترک کند ولی نه بحدی که او را مجروح سازد

خاتمه بدانکه واجب بر دو قسم است واجب عینی و واجب کفائی واجب عینی آنستکه بر هر فرد فرد واجب است و بکردن یکی از دیگران ساقط نمیشود چون نماز و روزه و خمس و زکوة و حج

واجب کفائی آنستکه اگر بعضی بجا آورند از دیگران ساقط میشود چون اعمال میت که اگر یکنفر میت را غسل بدهد و کفن و دفن نماید کند از دیگران ساقط میشود و مثل جهاد که اگر بمقداری که کافی برای جنگ و دفاع باشند حاضر شدند از دیگران ساقط میشود

سئوالات

جهاد بر چند قسم است؟ - جهاد بمعنای حمله در چه وقت واجب میشود؟ - جهاد از چه اشخاص ساقط است؟ - جهاد با چند طایفه باید کرد؟ - طایفه

... باشد؟ - شرایط ذمه چیست؟ - جزیه کدام است؟ - طایفه سوم کیانند
... به سیم چه کسانند؟ - جهاد بمعنای دفاع چه وقت واجب می‌شود؟ -
... کدام است و بر چند قسم است؟ - و احکام آن چیست؟ - امر بمعروف
چه وقت واجب می‌شود و چه وقت مستحب؟ - نهی از منکر چه وقت واجب می‌شود
و چه وقت مستحب؟ - شرایط وجوب امر بمعروف و نهی از منکر چند چیز است و
کدامند؟ - امر بمعروف و نهی از منکر چه ترتیب باید کرد؟ - واجب چند
قسم است؟ - واجب عینی کدام است؟ - واجب کفائی چیست؟ -

درس پنجاه و یکم

باب ششم - در تجارت - و بیع و معاملات

مقدمه اول معامله عبارت است از داد و ستد و کسب
و تجارت کلیه قراردادها که ما بین مردم واقع می‌شود
عقد لفظی است که باین معامله حاصل شود
عقد بر دو قسم است - عقد لازم - و عقد جایز
عقد لازم آنست که هر یک از دو طرف معامله نتوانند آنرا فسخ کنند
یعنی برهم زنند و رد کنند مگر در موارد معینه
عقد جایز آنست که بتوانند آنرا فسخ کنند

تجارت و کسب بر پنج قسم است واجب - مستحب - مباح
مکروه - حرام
کسب واجب کسبی است که قوت شخص و عیال واجب النفقه
او یا اداء دین یا واجب دیگری موقوف بر آن کسب باشد
کسب مستحب کسبی است که غرض از آن وسعت بر عیال یا نفع
رسانیدن بمسلمین باشد
کسب مباح کسبی است که غرض از آن زیاد شدن مال باشد
کسب مکروه بعضی کسبها است که در شرع مرجوح است چون
صرافی و کفن فروشی و نحو آن

کسب حرام کسب حرام بر پنج نوع است
نوع اول خرید و فروش نجاسات و مسکرات چون شراب و میته
و بول و سرگین حیوان حرام گوشت و خوک و سگ و سایر نجاسات
مگر سگ شکاری و سگ گله و سگی که محافظت باغ و خانه
یا زراعت نماید و اقل چیزهائیکه بملاقات نجس نجس شده اند
معامله با اینها جایز است در صورتیکه منفعت حلال داشته باشد

نام ک
مولف
موضو
سال
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظ

نوع دوم معامله بچیزهائیکه مقصود از آنها حرام باشد مثل
آلات قمار و لهو چون شطرنج و نرد و تار و بت و صلیب یا چیزیکه
برای عمل حرام خریده شود مثل خریدن انگور برای شراب ساختن یا
چوب برای بت تراشیدن و مثل فروختن اسلحه جنگ بدشمنان
دین در وقت جنگ و برای زنان و ساختن سلاح برای آنها

نوع سوم معامله چیزهائیکه مالیت ندارد مثل مار و عقرب
و جعل و سایر حشرات ولی هرکدام منفعت داشته باشد معامله
آن جایز است

نوع چهارم معامله با افعال حرام و اجرت گرفتن برای آنها مثل مجسمه
صاحب روح درست کردن ولی نگاه داشتن و معامله با آنها جایز است
و غنا خواندن و آن آوازی است که مخصوص مجلس لهو است و سحر و شعبده
و قمار کردن و معامله کتابهائیکه برضد دین و باعث گمراهی است
و نگاه داشتن آنها مگر برای رد کردن بر آنان و معامله بمال غیر
چون غصب و [illegible] و رشوه دادن و گرفتن و معاونت ستمکاران
بظالم در ظلم بمردم و دشنام دادن بیکدیگر و بمسلمانان هجو کردن

از آنها دروغ گفتن مگر برای ضرورت و مصلحت و مدح کسیکه
مستحق ذم است سخن چینی کردن و زیاد کردن قیمت چیزی
برای اینکه مشتری زیاده کند با اینکه خود قصد خریدن نداشته باشد

نوع پنجم اجرت گرفتن بر چیزهائیکه بر خود شخص واجب است چون
نماز و روزه و نحو آن

خاتمه احتکار نگاه داشتن جو و گندم و خرما و مویز
و روغن است بانتظار آنکه گران شود و احتکار در صورتیکه
مردم محتاج باشند و کسی نباشد که رفع احتیاج از آنها نماید
حرام است و باید محتکر را مجبور بفروش کرد

درس پنجاه و دوم — فصل اول
در عقد بیع و شرایط آن

بیع یعنی خرید و فروش کردن و آنکه فروشنده را بایع و خریدار را
مشتری گویند و آنچه فروخته میشود مبیع و ثمن و آنچه در عوض
گرفته میشود ثمن گویند عقد بیع مرکب است از ایجاب که از طرف بایع واقع میشود
و قبول که از طرف مشتری واقع میشود مثل آنکه بایع بگوید بعت یا فروختم [illegible]

نام ک
مؤلف
موضو
سال ج
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظ

بخشنده قرآن یعنی فروختم با دادم این کتاب را بتو بیع ضیع قرآن قبول مثل آنکه مشتری بگوید قبلت یعنی قبول کردم یا اشتریت یعنی خریدم و بغیر عربی نیز عقد بیع واقع می شود هرچند با ینکه باشد

بیع معاطات بیع معاطات آنستکه لفظی نگویند بلکه بصیغه خبر را بدهند و عوض را بگیرند بقصد بیع مثل متعارف که پول نقال وعطار میدهند و از آنها جنس میگیرند

بیع معاطات صحیح است لکن لازم نمیشود مگر آنکه یکی از دو طرف در آنچه را گرفته تصرف کند یا تلف شود

شرائط بیع شرائط بیع از این قرار است: اول آنکه بایع و مشتری بالغ و عاقل و مختار و آزاد باشند پس بیع طفل و دیوانه و کسیکه قصد بیع نداشته باشد مثل مست و بیهوش و خفته و بیع بنده بدون اذن آقا صحیح نیست و اگر آنکه اکراه شده است بعد راضی ببیع شود صحیح میشود و الا باطل است

دوم آنکه بایع و مشتری مالک مبیع و ثمن باشند یا قائم مقام مالک پس اگر کسی مال غیر را بفروشد یا ثمن قرار دهد موقوف میشود باجازه مالک اگر اجازه کرد صحیح است و الا باطل می شود

درس پنجاه و چهارم

سیم آنکه مبیع و ثمن شرعاً قابل ملک باشند نه مثل شراب و خوک برای مسلمان و مثل حشرات و نحو آن

چهارم آنکه فروشنده قادر بر تسلیم مبیع باشد پس فروختن ماهی در دریا یا غلام گریخته صحیح نیست

پنجم آنکه مبیع و ثمن معلوم باشد بمشاهده یا وصف بنحوی که رفع جهالت کند و همچنین مقدار آن باید معلوم باشد بوزن یا کیل یا ذرع یا شماره یا دیدن در هر چیزی بنحوی که متعارف است

ششم آنکه مبیع عین باشد نه منفعت ولی ثمن اگر منفعت باشد ضرر ندارد

هفتم آنکه حق دیگری تعلق بمبیع یا ثمن نداشته باشد پس بیع وقف و نحو آن جایز نیست - قائم مقام مالک عبارت است از پدر و جد پدری و وصی آنها و وکیل و حاکم شرع و امین او

سؤالات امتحانیه

معامله عبارت از چیست؟ - عقد کدام است؟ - عقد بر چند قسم است

نام ک
مؤلف
موضو
سال
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظ

عقد لازم چیست؟ - عقد جایز کدام است؟ تجارت و کسب بر چند قسم است
کسب واجب کدام است؟ - کسب مستحب کدام است؟ - کسب مباح چیست؟ -
کسب مکروه چیست؟ - کسب حرام چند نوع است؟ - نوع اول از کسبهای
حرام کدام است؟ - نوع دوم کدام است؟ - نوع سیم چیست؟ - نوع چهارم
کدام است؟ - نوع پنجم کدام است؟ - نوع ششم کدام است؟ - احتکار چیست
و احتکار حکمش چیست؟ - بیع بچه معنی است؟ - بایع و مشتری و ثمن و مثمن
و مبیع را مثمن گویند؟ - عقد بیع چگونه است؟ - ایجاب مثلش چیست؟ - قبول
مثلش چه؟ - بغیر عربی عقد بیع واقع می شود یا نه؟ - بیع معاطات کدام است
بیع معاطاة حکمش چیست؟ - شرایط بیع را بیان نمائید؟ - تم مقام ثالث

درس پنجاه و پنجم

فصل دوم - در خیارات

خیار بمعنی اختیار داشتن یکی از دو طرف عقد است باینکه
معامله را بهم زند یا باقی گذارد و چون بیع عقد لازم است
هیچیک از دو طرف نمیتوانند آنرا فسخ و رد کنند مگر در
موارد معینه که آنها را خیارات گویند و خیارات دوازده
قسم اند از این قرار خیار مجلس - خیار حیوان - خیار شرط
خیار تأخیر ثمن - خیار غبن - خیار رؤیت - خیار عیب

خیار تدلیس - خیار شرکت - خیار تعذر تسلیم - خیار اشتراط
خیار تفلیس

خیار مجلس آنستکه بایع و مشتری مادامیکه از مجلس عقد
متفرق نشده اند میتوانند آنرا بهم زنند

خیار حیوان آنست که کسی حیوانی خریده باشد تا سه روز
میتواند آنرا رد کند

خیار شرط آنست که در عقد شرط کنند که برای یکی
از دو طرف یا شخص خارجی تا زمان معینی اختیار فسخ معامله باشد
و در این صورت همان طوری که شرط کرده اند خیار ثابت میشود
و از این قبیل است بیع شرط یا بیع خیار و آن چنان است که در عقد
شرط کنند در صورت رد ثمن در مدت معینی برای بایع حق فسخ باشد

خیار تأخیر ثمن آنست که هرگاه تا سه روز بایع مبیع را بتصرف
مشتری نداده باشد و شرط تأخیر نکرده باشد بعد از سه روز
بایع مختار است که معامله را فسخ کند یا صبر کند و اگر مبیع
چیزی است که بعد از یکروز فاسد میشود مثل سبزیجات بایع بعد

[illegible]

اینکه هر دو خیار فسخ دارند

درس پنجاه و ششم

خیار غبن آنست که هرگاه معلوم شود قیمت چیزیکه خریده یا فروخته زیادتر یا کمتر از مقداریست که معامله شده و در وقت عقد عالم بقیمت نبوده بعد از علم مختار است که بیع را فسخ کند یا بهمان مقدار قبول کند

خیار رؤیت آنست که جنس معینی را ندیده باوصافی خریده بعد از دیدن اگر بآن اوصاف نبود مختار بر فسخ است

خیار عیب آنست که هرگاه مبیع معیوب درآید مشتری بعد از علم بعیب مختار است که آنرا پس بدهد یا قبول کند و ارش یعنی تفاوت مابین قیمت صحیح و معیوب را از بایع بگیرد و در صورتیکه در وقت معامله عالم بعیب نباشد و اگر بعد از معامله تصرفی در مبیع کرده باشد رد نمیتواند کرد ولی ارش میتواند بگیرد

عیب هر چیزیست که در عرف و عادت آنرا نقص دانند مثل نونی و کوری و کری و غیر آن

ارش تفاوت مابین صحیح و معیب است از ثمن

طریق شناختن ارش اینستکه قیمت صحیح و معیوب را معین کنند اگر قیمت صحیح پنج تومان باشد و معیوب چهار تومان یکتومان تفاوت دارند یکتومان پنج یک قیمت صحیح است پس ثمن پنج یک میشود و مشتری اگر یکتومان خریده باشد دو قران که خمس یکتومان و ارش است پس میگیرد

خیار تدلیس آنست که بایع در مال خود حیله کند که بر خلاف آنچه واقع است نما باشد مثل اینکه آب بر شیر کند در این صورت مشتری بعد از علم میتواند معامله را فسخ کند

خیار شرکت آنست که متاعی خریده و بعد معلوم شود که قدری از آن مال غیر بوده و آن غیر اجازه نکند پس مشتری چون شریک با آن غیر میشود مختار است معامله را فسخ کند یا همان مال بایع را قبول کند و آنچه از ثمن که مقابل مال غیر داده پس بگیرد و این خیار را تبعض صفقه نیز گویند

درس پنجاه و هفتم

نام
مولف
موضو
سال
کاتب
طول
شماره
وقفی
مصور
ملاحظ

خیار تعذر تسلیم آن است که بعد از بیع تسلیم مبیع بر بایع دشوار شود مثل کبوتری که هر روز عادت داشته برگردد و بعد از فروش نیامده است در این صورت مشتری مختار بر فسخ است و اگر اصلاً قدرت بر تسلیم نباشد بیع باطل میشود

خیار اشتراط آن است که در بیع عقد هر شرطی بشود اگر مثل اینکه شرط کند که مشتری فلان جامه را خیاطی کند یا کتاب معینی از مال بایع باشد در این صورت واجب است وفاء بآن شرط کند و اگر وفا نکرد او را اجبار مینماید اگر اجبار او ممکن نشد طرف دیگر مختار بر فسخ خواهد بود

خیار تفلیس آنست که متاعی بمفلسی بفروشد و حاکم آن مفلس را از اموالش منع کند برای طلبکاران در این صورت بایع مختار است متاع خود را بردارد یا بیع را قبول کند با طلبکاران در مال مفلس شریک شود

تتمه در تمام خیارات اگر در عقد شرط سقوط خیار کنند یا بعد از عقد آنکه خیار بر او است ساقط کند یا تصرفی نماید

که دلالت بر رضای بیع نماید خیار او ساقط میشود و خیار بعد از مردن منتقل بورثه صاحب خیار میشود

درس پنجاه و ششم — فصل سیم

در اقسام بیع بیع بر ده قسم است: اول بیع نقد دوم بیع کالی بکالی سیم نسیه چهارم سلف پنجم تولیه ششم مرابحه هفتم مواضعه هشتم مساومه نهم ربا دهم صرف

بیع نقد آن است که ثمن و مثمن هیچکدام وعده نداشته باشد

بیع کالی بکالی یا دین بدین آن است که ثمن و مثمن هر دو وعده باشند و این قسم از بیع باطل است

بیع نسیه آن است که ثمن تنها وعده داشته باشد و در آن شرط است که زمان اداء ثمن معین باشد پس اگر بگوید هر وقت میخواهی بده مثلاً باطل است

بیع سلف یا سلم یعنی پیش خرید کردن آن است که مبیع تنها وعده داشته باشد و آن علاوه بر شرائط بیع شروط دارد: اول آنکه زمان تسلیم مبیع معین باشد

دوم آنکه ثمن در مجلس نقد داده شود سیم آنکه در سر وعده تسلیم مبیع ممکن باشد

بیع تولیه آنستکه فروشنده سرمایه را که بآن مبیع را خریده ذکر کند و بهمان مقدار مبیع را بفروشد

بیع مرابحه آن است که مبیع را زیاده از آنچه خریده بفروشد

بیع مواضعه آنست که کمتر از آنچه خریده بفروشد

بیع مساومه آنستکه اصلاً ذکر سرمایه نکند

بیع ربوی بیع ربوی فروختن جنسی است که عادتاً بوزن یا کیل فروخته میشود بهمان جنس زیاده مثل آنکه یکخروار گندم بیکخروار و پنج من بفروشد و اگر گندم به برنج بفروشد مثلاً ربا نیست و هم چنین در مثل تخم مرغ که شماره ایست یا پارچه که ذرعی است و نحو آن ربا نیست

ربا حرام و باطل است مگر ما بین پدر و فرزند و زن و شوهر و آقا و بنده و مسلمان و کافر اگر مسلمان زیاده بگیرد

بیع صرف بیع طلا بطلا یا نقره بنقره است یا طلا بنقره یا نقره بطلا [illegible]

باشد باید - و در بیع صرف علاوه بر شرایط بیع شرط است که پیش از آنکه متفرق شوند ثمن و مثمن را قبض و تسلیم نمایند پس اگر قبل از قبض متفرق شوند باطل میشود و در بیع طلا بطلا و نقره بنقره حکم ربا جاری میشود

درس پنجاه و نهم - فصل چهارم

در قبض و تسلیم

بعد از بیع هر یک از بایع و مشتری باید مبیع و ثمن را تسلیم دیگری کند بطوریکه عرفاً قبض او در اید و مسلط بر آن شود مگر آنکه یکی از آنها وعده داشته باشد که سر وعده باید تسلیم نمود و هر کدام تسلیم نکرده میتوان او را مجبور کرد و منافع زمانی را که تاخیر در تسلیم کرده باید بدهد و اگر مبیع پیش از تسلیم تلف شود بیع باطل میشود و اجرت وزن و کیل کردن و شمردن در مبیع بر بایع است و در ثمن بر مشتری است و اجرت دلال بر آن است که او را امر کرده است و اگر متاع در دست دلال بدون تقصیر تلف شود ضامن نیست

خاتمه اقاله آن است که دو طرف معامله هر زمان میتوانند
بتراضی معامله را که کرده اند برهم زنند و بعد از اقاله
هر عوضی بصاحب اصلی آن بر میگردد

درس شصتم - فصل پنجم

در شفعه هرگاه دو نفر در ملکی شریک باشند و یکی
از آن دو نفر حصه خود را بفروشد دیگری حق دارد که پول
از مشتری بدهد و آن حصه را بگیرد و این حق را حق شفعه گویند

شرایط شفعه شرایط شفعه پنج است

اول آنکه املاک قابل قسمت باشد نه چون دکان کوچک
دوم آنکه مشاع باشد پس اگر قسمت شده باشد شفعه
نیست مگر اینکه هر دو راه آن مشاع باشد
سیم آنکه بیش از دو نفر شریک نباشند
چهارم آنکه شریک قادر بر اداء ثمن باشد
پنجم بعد از علم به بیع فوراً طلب شفعه کند و در غیر بیع
مثل انتقال بصلح و هبه و ارث و نحو آن شفعه نیست

خیار چیست؟ - عقد بیع را میتوان فسخ کرد یا نه؟ - خیارات چند قسمند
خیار مجلس کدام است؟ خیار حیوان چیست؟ - خیار شرط چیست؟
خیار تاخیر ثمن کدام است؟ - خیار غبن کدام است؟ - خیار رؤیت چیست؟
خیار عیب کدام است؟ - عیب چیست؟ - ارش کدام است؟ - طریق شناختن
ارش چیست؟ خیار تدلیس کدام است؟ - خیار شرکت چیست؟ - خیار
تعذر تسلیم کدام است؟ - خیار اشتراط کدام است؟ - خیار تفلیس چیست
حکم خیارات کلیه چیست؟ - بیع بر چند قسم است؟ - بیع نقد کدام است
بیع کالی بکالی چیست؟ - بیع نسیه کدام است؟ - مرابحه چیست؟ - مواضعه
کدام است - مساومه چیست؟ - ربا کدام است؟ - ربا در چه مورد حرام
و باطل و در چه مورد صحیح و حلال است؟ - بیع صرف کدام است؟ - در بیع
صرف چه چیز شرط است؟ - بعد از بیع بایع و مشتری مبیع و ثمن را چه باید
بکنند؟ - اگر مبیع پیش از تسلیم تلف شود حکمش چیست؟ - اجرت وزن
و کیل و شمار مبیع و ثمن بر کیست؟ - اجرت دلالی بر کیست؟ - اگر متاع
در دست دلال تلف شود ضامن است یا نه؟ - اقاله کدام است؟ شفعه
کدام است؟ - شرایط شفعه چند است و چیست؟

درس شصت و یکم - باب هفدهم در اجاره

اجاره منتقل کردن منفعت است بغیر در مقابل عوضی
معلوم معنی اجاره دهنده و مستاجر یعنی اجاره کننده است

شرایط اجاره شرایط اجاره از این قرار است

اول آنکه هر یک از موجر و مستأجر بالغ و عاقل و مختار و جائز التصرف باشند

دوم تعیین اینکه اجاره مید هند و عوض و منفعت یا بتعیین مدت مثل اجاره کردن شخص یکسال و یا بتعیین عمل چون چون خیاطی یکقبا یا بردن بار تا مسافت معین

سیم آنکه منفعت مباح باشد و تسلیم آن بمستأجر ممکن باشد

چهارم آنکه منفعت ملک موجر باشد پس اگر ملک او نباشد اجاره فضولی موقوف میشود باجازه مالک اگر اجازه کرد صحیح و الا باطل میشود

پنجم آنکه انتفاع از آنمال برای مستأجر شرعاً و عرفاً ممکن باشد پس اجاره زمین بی آب برای زراعت صحیح نیست

درس شصت و دوم

احکام اجاره

(۱) اجاره عقد لازم است نمیتوان آنرا فسخ کرد مگر باتفاق دو طرف یا بیکی از خیارات که در بیع گفته شد غیر از خیار مجلس و حیوان و خیار تاخیر که در اجاره نمیباشد و بموت موجر یا مستأجر یا فروش عین باطل نمیشود

(۲) هر گاه عینی که اجاره داده شده مال غیر در آید یا تلف شود مثل اینکه خراب شود اجاره باطل میشود و اگر بعض از مال غیر باشد یا تلف شود نسبت بآن بعض باطل و نسبت بمابقی صحیح است

(۳) بعد از عقد اجاره باید موجر عین را بتصرف مستأجر بدهد و مادامیکه بتصرف نداده حق مطالبه مال الاجاره ندارد و اگر اجرت بر عملی باشد بعد از عمل اجرت لازم میشود مگر آنکه شرط مدت شده باشد

(۴) اگر عین در دست مستأجر تلف شود بدون تقصیر ضامن نمیشود و با تقصیر ضامن است

درس شصت و سیم

باب دهم در مضاربه

مضاربه آنست که شخص سرمایه بکسی بدهد که با آن تجارت و کسب کند و حصه از منافع آن ببرد و آنکه سرمایه داده مضارب گویند و آنکه تجارت میکند عامل و سرمایه را

مال المضاربه گویند

شروط مضاربه

شرایط مضاربه از این قرار است

اول آنکه مضارب و عامل بالغ و عاقل و مختار و جایز التصرف باشند. مضارب یا مالک سرمایه باشد یا در حکم مالک

دوم سرمایه پول طلا یا نقره سکه دار موجود باشد و قدر آن معلوم باشد

سوم آنکه نفع مشترک بین مالک و عامل باشد و حصه هر یک معلوم باشد مثل نصف یا ثلث

احکام مضاربه

(۱) مضاربه عقد جایز است که وقت میتوان از او فسخ نمود و بمردن یا دیوانه شدن یکی از آنها باطل میشود

(۲) بظهور منفعت عامل مالک حصه خود از منفعت میشود و بدون تقصیر اگر مال در دست او تلف شود ضامن نیست

سؤالات

اجاره کدام است؟ - شرایط اجاره چیست و کدام اند؟ - احکام اجاره را

[ب]از کنید. - مضاربه چیست؟ - شرایط مضاربه چیست؟ - و کدام اند؟ - [ا]حکام مضاربه چیست؟ -

درس شصت و چهارم

باب پانزدهم در شرکت و قسمت

فصل اول در شرکت

[ا]سباب شرکت چهار چیز است: اول ارث - دوم مخلوط شدن [ا]موال چند نفر باهم بطوری که تمیز داده نشود - سیم مالک شدن [چ]ند نفر مالی را باهم به بیع و اجاره و غیر آن - چهارم عقد شرکت

[ا]قسام شرکت اقسام شرکت چهار است: شرکت در اموال شرکت در اعمال - شرکت مفاوضه - شرکت وجوه

شرکت در اموال آن است که دو مال باهم شریک شوند و این قسم صحیح است - شرکت در اعمال آن است که قرار بگذارند که هر چه کار بکنند در اجرت باهم شریک باشند

شرکت مفاوضه آن است که قرار بدهند که هر منفعت و ضرری با[یشان] برسد از ارث و کسب و خسارت و غیر آن باهم شریک باشند

شرکت وجوه آن است که چند نفر بی‌سرمایه قرار بگذارند که نسیه خرید و فروش کنند و در نفع با هم شریک باشند و این سه قسم شرکت باطل است

شرایط عقد شرکت

شرایط عقد شرکت چهار امر است اول ایجاب و قبول - دوم آنکه شرکاء بالغ و عاقل و جایز التصرف باشند - سوم آنکه جنس و مقدار سرمایه آنها معلوم باشد چهارم آنکه سرمایه آنها با هم مخلوط شود بطوریکه تمیز داده نشود

احکام عقد شرکت

اول هر یک از شرکاء بنسبت سرمایه خود نفع و ضرر میبرد مگر اینکه ترتیب دیگری در عقد شرط کنند

دوم هیچیک از شرکاء بدون اذن دیگران نمیتواند در سرمایه مشترک تصرف کند

سوم شرکت عقد جایز است هر یک از شرکاء میتوانند آنرا فسخ کنند و بموت و جنون یکی از آنها باطل میشود

درس شصت و پنجم - فصل دوم

در قسمت قسمت بر دو قسم است

قسمت تراضی - و قسمت اجباری - قسمت تراضی آن است که شرکاء برضایت یکدیگر هر وقت بخواهند میتوانند مال مشترک را تقسیم کنند

قسمت اجباری آن است که هر وقت یکی از شرکاء بخواهد حاکم شرع دیگران را مجبور بتقسیم میکند و این در صورتی است که از قسمت ضرر زیاد بشریک دیگر نرسد و محتاج نباشد که چیزی روی حصه یکی بگذارند تا با حصه دیگری مساوی شود - بعد از قسمت نمیتوان آنرا بهم زد مگر برضایت تمام شرکاء یا اینکه معلوم شود که قسمت بغلط واقع شده است

سؤالات

اسباب شرکت چند چیز است و کدامند؟ - اقسام شرکت چند است؟ - و کدامند؟ - شرایط عقد شرکت چند امر است؟ - احکام شرکت چیست؟ - قسمت بر چند قسم است؟ - بعد از قسمت میتوان آنرا بهم زد یا نه؟ -

درس شصت و ششم - باب دوازدهم

در ارث ارث منتقل شدن مال یا حقی است از کسی بعد از فوت او بدیگری بسببی که ذکر میشود

فصل اول

در بیان موجبات ارث یعنی آنچه سبب ارث بردن میشود و آن دو چیز است
اول نسب یعنی خویش بودن - دوم سبب و کسانیکه بواسطه
نسب ارث میبرند سه طبقه اند که مادامیکه یکنفر از طبقه
اولی موجود باشد طبقهٔ لاحقه ارث نمیبرد

طبقهٔ اولی پدر و مادر و اولاد هر چند پایین روند

طبقهٔ دوم برادر و خواهر و اولاد آنها هر چند پایین روند و جد
و جده و هر چند بالا روند

طبقهٔ سیم عمو و عمه و هر چند بالا روند و دائی و خاله و هر چه
بالا روند و اولاد آنها هر چند پایین روند

و اما سبب که با آن ارث برده میشود چهار چیز است
اول زن و شوهری - دوم ولاء عتق سیم ولاء ضامن جریره
چهارم ولاء امامت

درس شصت و هفتم - فصل دوم

در موانع ارث یعنی چیزهائیکه مانع وارث میشود از ارث بردن

و عمده آنها چهار است **کفر - قتل - رق - دین مستغرق**

کفر مانع ارث است یعنی کافر از مسلمان ارث نمیبرد اگر
چه نزدیک باشد پس اگر میت مسلمان باشد و وارث مسلمان
نداشته باشد ارث با امام میرسد و اگر میت کافر باشد
و وارث مسلم غیر از امام نداشته باشد کافر از او ارث میبرد
و اگر قبل از قسمت کردن اموال میت مسلمان شود ارث میبرد

قتل مانع ارث است یعنی هر کس مورث خود را بکشد
بدون حق عمداً از او ارث نمیبرد و اگر قتل خطا یا شبه خطا
باشد از دیه ارث نمیبرد ولی از سایر اموال میبرد

رق مانع ارث است یعنی بنده ارث نمیبرد و اگر میت را
وارث آزاد میبرد و اگر غیر بنده وارثی نباشد حاکم شرع
او را از مال میت میخرد و آزاد میکند و بقیه مال را
باو میدهد و اگر بعض او آزاد باشد بقدر آنچه آزاد است
ارث میبرد

دین مستغرق یعنی قرضیکه بقدر تمام ترکه باشد

مانع وارث است از ارث بردن

درس شصت و ششم – فصل سیوم

در تفصیل صاحبان فرض و قرابت

صاحبان فرض کسانی هستند که در قرآن صریحا حصهٔ آنها معین شده است و صاحبان قرابت کسانی هستند که ارث میبرند ولی حصهٔ آنها صریحا معین نشده است. نصیب صاحبان فرض شش قسم است: نصف - ربع - ثمن - ثلث - دوثلث - سدس.

نصف نصیب سه قوم است

اول نصیب شوهر با عدم اولاد برای زوجه

دوم نصیب یک دختر اگر پسر با او نباشد

سیوم نصیب یک خواهر پدر و مادری یا پدری تنها با عدم خواهر پدر و مادری هرگاه برادر با او نباشد

ربع نصیب دو قوم است: اول شوهر با وجود اولاد برای زوجه

دوم زن با عدم اولاد برای زوج

ثمن نصیب یک یا چند زن است با بودن اولاد برای زوج

ثلث نصیب دو قوم است: اول نصیب مادر بدون حاجب(1)

دوم نصیب دو کس یا بیشتر از اولاد مادر

دوثلث نصیب دو قوم است:

اول نصیب دو دختر یا بیشتر با عدم پسر با ایشان

دوم نصیب دو خواهر یا بیشتر پدر و مادری یا پدری تنها با بودن برادر با ایشان

سدس نصیب سه قوم است: اول نصیب هر یک از پدر و مادر با وجود اولاد برای میت دوم مادر با حاجب

سیوم نصیب هر یک از اولاد مادر چه زن باشد چه مرد

و ماسوای اشخاصیکه ذکر شد بقرابت ارث میبرند یعنی حصهٔ آنها معین نشده است چنانچه ذکر خواهد شد

و آنچه از میت میماند صاحب فرض فرض خود را میبرد و بقیه بصاحبان قرابت داده میشود و اگر صاحب قرابتی نباشد بهمان صاحبان فرض رد میشود مگر در زن که برای او رد نمیشود

---

(1) بطوریکه در حاجبها ذکر میشود

درس شصت و نهم - فصل چهارم

در بیان حاجبها یعنی کسانیکه مانعند از ارث بردن
دیگران و آنها چند طایفه اند

اول هر طبقه نسبت بطبقه بعد از آن

دوم کسانیکه از طرف پدر و مادر هردو نسبت با میت
دارند چه آنها مانع ارث بردن کسانی هستند که از طرف
پدر تنها نسبت دارند

سیم اولاد چه آنها مانعند از ارث بردن پدر و مادر یا زوجه
و شوهر از سهم اکثر و عوض آنکه خود بسهم کمتر باشد که زیاده
از فرض بر پدر و دختر رد میشود و همچنین مانعند زوج را
از زیاده بر ربع و زوجه را از زیاده بر ثمن

چهارم اخوه هرگاه با مادر جمع شوند چه ایشان مادر را
منع میکنند از زیاده بر سدس به پنج شرط

اول آنکه پدر ایشان زنده باشد

دوم آنکه اقلا دو پسر یا چهار دختر یا یک پسر و دو دختر یا

یا بیشتر از آنها باشند

سیم آنکه پدر و مادری یا پدری تنها باشند چه اخوه مادری تنها مانع
مادر نمیشوند

چهارم آنکه در اخوه مانع ارث از کفر و قتل و غیر آن موجود نباشد

پنجم آنکه اخوه در وقت فوت میت موجود باشند چه اگر در
شکم مادر یا مرده باشند حاجب مادر نمیشوند و اولاد اخوه
حاجب مادر نیستند

درس هفتادم - فصل پنجم

در بیان حقوقیکه مقدمند بر ارث

بدانکه اول چیزیکه از ترکه میت برداشته میشود حقوقی است که
بعین ترکه تعلق دارد مثل زکوة و خمس و رهن و ضمان و نذر
و عهد و قسم که متعلق بعین ترکه باشد و مالیکه مورد خیار
یا شفعه باشد و بعد از آن مخارج کفن و دفن و سایر امور راجع
بتجهیز میت از ترکه خارج میشود و بعد از آن حقوقیکه متعلق
بذمه میت در حال حیوة بوده داده میشود مثل دین و نذر و عهد

و قسم که متعلق به تنه باشد و کفاره حج و هر واجب مالی و بعد از آن اگر وصیت کرده باشد با اجازه ورثه تمام آن و بدون اجازه تا بقدر ثلث خارج میشود و بعد آنچه میماند مال ورثه است

سؤالات

ارث چیست؟ - موجبات ارث چند امرند؟ - کسانیکه بواسطه نسبت ارث میبرند چند طبقه اند؟ - طبقه اولی کیست؟ - طبقه دوم کیست؟ - طبقه سیم کیانند؟ - سبب چند چیز است و کدامند؟ - موانع عمده ارث چند چیزند؟ - کفر یعنی چه؟ - مانع ارث است؟ - رق بچه طریق مانع ارث است؟ - دین مستغرق یعنی چه؟ - صاحبان فرض کیانند؟ - صاحبان قرابت چه کسانند؟ - نصیب صاحبان فرض چند قسمند؟ - نصف نصیب چند نوع است؟ - ربع نصیب چند نوع است؟ - ثمن نصیب کی است؟ - ثلث نصیب چند نوع است؟ - دو ثلث نصیب کی است؟ - سدس نصیب چند نوع است؟ - آنچه از میت میماند صاحبان فرض و قرابت چه بنحو میبرند - حاجبها چند طایفه اند؟ - کیانند؟ - اول چیزی که از ترکه میت برداشته میشود چیست؟ - بعد از حقوقیکه بعین تعلق دارد از مال که برداشته میشود؟ - بعد از خارج کفن و دفن چه برداشته میشود؟ - بعد از حقوقیکه متعلق به تنه میت است چه خارج میشود؟

فصل ششم

در تفصیل ارث طبقه اولی

طبقه اولی پدر و مادر و فرزند باشند و با وجود یکنفر از اهل این طبقه هیچ یک از صاحبان نسبت سبب ارث نمیبرند مگر زوج و زوجه که نصیب خود را میبرند و تفصیل ارث اینها این قرار است

ارث پدر و مادر

پدر تنها تمام مال را بقرابت میبرد و مادر تنها ثلث را بفرض و باقی را برد میبرد

پدر و مادر هر دو اگر باشند ثلث مال مادر است با عدم حاجب سدس با حاجب باقی مال پدر است

ارث اولاد

یکدختر تنها نصف مال را بفرض و باقی را برد میبرد و دخترهای متعدده دو ثلث مال را بفرض و باقی را برد میبرند و بالسویه قسمت میکنند و با اجتماع پسر و دختر هر پسری دو برابر و هر دختر یک برابر میبرند

اجتماع پدر و مادر با اولاد

اگر پسر و دختر یا پسر تنها با پدر و مادر جمع شوند هر یک
از پدر و مادر سدس میبرند و باقی را پسر و دختر اگر یک دختر
با پدر یا مادر باشد پدر یا مادر سدس میبرند و دختر
نصف بفرض و باقی بنسبت سهام برایشان رد میشود پس مال
چهار قسمت میشود یک ربع مال پدر یا مادر و سه ربع مال
دختر اگر پدر یا مادر با چند دختر باشند ترکه به پنج قسمت
میشود یک پنج یک مال پدر یا مادر و باقی مال دخترها
بفرض و رد با اجتماع پدر و مادر با یک دختر هر یک از پدر
و مادر خمس میبرند و باقی مال دختر است در صورتیکه برای
مادر حاجب نباشد و الا مادر سدس میبرد و پدر ربع
مابقی و باقی مال دختر است و اگر پدر و مادر با چند دختر
باشند هر یک از پدر و مادر سدس و باقی را دخترها بالسویه
میبرند و در این صورتها اگر زوج یا زوجه باشد نصیب خود را
میبرد و اگر نقصی باشد بر اولاد وارد میشود

اولاد اولاد

مادامیکه یکی از اولاد باشد اولاد اولاد ارث نمیبرد ولی وقتی
که میت فرزند ندارد و فرزند زاده ها بجای فرزند ارث میبرند
خواه تنها باشند خواه با پدر و مادر و هر یک از ایشان حصه
کسیرا میبرد که بتوسط او بمیت میرسد پسر دختر حصه
دختر و دختر پسر حصه پسر را میبرد و ما بین خود بطریق پسر دو برابر
دختر تقسیم میکنند و اگر اینها نباشند اولاد اینها قائم مقام اینها
تتمه حبوه چهار چیز است که از میت مخصوص پسر بزرگ است
و سایر ورثه با او شریک نمیشوند و اینها را حبوه گویند
اول رختهای میت - دوم شمشیر - سیم انگشتر - چهارم قرآن

سؤالات

پدر تنها چه ارث میبرد ؟ - مادر تنها چه ارث میبرد ؟ - پدر و مادر هر دو
چه ارث میبرند ؟ - یک دختر چه میبرد ؟ - دخترهای متعدد چه میبرند
پسر و دختر با هم چه میبرند ؟ - اگر پسر و دختر یا پسر تنها با پدر و مادر باشند
چه میبرند ؟ - یک دختر با پدر و یا مادر چه میبرند و مال چند قسمت
میشود ؟ - اگر دختر با مادر یا چند دختر باشند ترکه چند قسمت میشود
با اجتماع پدر و مادر با دختر هر یک چه میبرند ؟ - اگر پدر و مادر

با چند دختر باشند، چه میبرند؟ - در این صورت تنها اگر زوج یا زوجه باشند چه میبرد؟ - اگر اولاد نباشند کی بجای آنها ارث میبرد؟ - دیگر چه میبرند حبوه کدام است؟ -

درس هفتاد و یکم — فصل هفتم

در تفصیل ارث طبقهٔ دوم

طبقهٔ دوم برادر و خواهر و اولاد ایشان و جد و جده اند و این طبقه وقتی ارث میبرند که از طبقهٔ اولی کسی موجود نباشد و با وجود یکنفر از اهل این طبقه هیچیک از اهل طبقهٔ سیم و صاحبان اسباب ارث نمیبرند مگر زوج و زوجه و مادامیکه برادر یا خواهر پدر و مادری باشد برادر و خواهر پدری تنها ارث نمیبرد و وقتی پدر و مادری نباشد پدری تنها بجای ایشان ارث میبرند ولی هیچکدام از اینها مانع برادر و خواهر مادری تنها نمیشوند و ما هر وقت برادر یا خواهر بگوئیم مراد پدر و مادری است و ملحق بآنها پدری تنها و تفصیل ارث آنها از این قرار است

ارث برادر و خواهر

برادر پدری تمام مال را میبرد و با تعدد بالسویه مابین خود قسمت میکنند و اگر با آنها خواهر باشد هر برادر دو برابر خواهر میبرد خواهر پدری نصف مال را بفرض و باقی را برد میبرد و اگر متعدد باشند دو ثلث بفرض و باقی برد میبرند و بتساوی قسمت میکنند برادر یا خواهر مادری با انفراد سدس و با تعدد ثلث میبرند و باقی برایشان رد میشود و مابین خود بتساوی قسمت کنند هرگاه برادر و خواهر پدری یا برادر و خواهر مادری جمع شوند مادری با وحدت سدس و با تعدد ثلث میبرد و باقی مال پدری است و در تمام صور اگر زوج یا زوجه باشد نصیب اعلای خود را میبرد و نقص بر برادر و خواهر پدری وارد میاید و اگر برادر و خواهر نباشند اولاد آنها بجای ایشان ارث میبرند و هرکدام حصه کسیرا میبرد که بتوسط او بمیت میرسند

درس هفتاد و دوم — جد و جده

جد یا جده با انفراد تمام مال را میبرند و اگر جد و جده پدری هر دو باشند دو ثلث مال را جد میبرد و یک ثلث جده و اگر

هر دو مادری باشند بالسویه تقسیم کنند و اگر جد یا جدهٔ پدری با جد یا جدهٔ مادری جمع شوند ثلث جد یا جدهٔ مادری میبرد و با تعدد بالسویه قسمت کنند و دو ثلث جد یا جدهٔ پدری و با تعدد جد دو برابر جده میبرد و اگر زوج یا زوجه با انها باشد زوج نصف و زوجه ربع میبرد و ثلث مال را جد یا جدهٔ مادری میبرند و نقص بر پدری وارد میشود

اجتماع برادر و خواهر با اجداد

هرگاه برادر و خواهر با اجداد باهم جمع شوند پس انها که از طرف مادر با میت نسبت دارند ثلث میبرند و در صورت تعدد بتساوی قسمت کنند اگرچه زن و مرد باهم باشند و انها که از طرف پدر نسبت دارند دو ثلث میبرند و مرد انها دو برابر زن میبرد ولی برادر یا خواهر مادری اگر منفرد باشد سدس میبرد مثلاً هرگاه میت جد و جدهٔ پدری و جد و جدهٔ مادری و برادر و خواهر پدری و برادر و خواهر مادری داشته باشد ثلث مال ما بین جد و جده و برادر و خواهر مادری بچهار قسمت مساوی

تقسیم میشود و دو ثلث را جد و جده و برادر و خواهر پدری میبرند. مرد دو برابر زن

سؤالات

طبقهٔ دوم کی هستند و چه وقت ارث میبرند؟ - مادامیکه برادر یا خواهر پدری و مادری باشد برادر و خواهر پدری تنها میبرد یا نه؟ - برادر پدری چه ارث میبرد؟ - اگر با برادر خواهر باشد چه میبرد؟ - خواهر پدری چه میبرد؟ - اگر متعدد باشند چه میبرند؟ - برادر یا خواهر مادری چه میبرند اگر برادر و خواهر پدری با برادر و خواهر مادری جمع شوند چه میبرند در تمام صور اگر زوج یا زوجه باشد چه میبرد؟ - جد یا جده چه میبرند جد و جدهٔ پدری چه میبرند؟ - اگر هر دو مادری باشند چه میبرند؟ - اگر جد یا جدهٔ پدری با جد یا جدهٔ مادری جمع شوند چه میبرند؟ - اگر زوج یا زوجه با انها باشد چه میبرد؟ - هرگاه برادر و خواهر با اجداد جمع شوند چه میبرند؟ -

درس هفتادوسیم - فصل هشتم
در تفصیل ارث طبقهٔ سیم

طبقهٔ سیم دو طایفه اند: اول عم و عمه دوم دائی و خاله و این طبقه وقتی ارث میبرند که از طبقهٔ دوم کسی موجود نباشد وارث انها از این قرار است

عمو یا عمه اگر منفرد باشند تمام مال را میبرد و با تعدد بالسویه
تقسیم میکنند و اگر عمو و عمه هر دو باشند عمو دو برابر عمه میبرد
و دائی یا خاله یا اقربا تمام مال را میبرد و با تعدد بالسویه قسمت
کنند و دائی و خاله اگر با هم باشند نیز بتساوی تقسیم میکنند
و هرگاه عمو یا عمه با دائی و خاله جمع شوند ثلث مال را دائی
و خاله میبرند و بقیه از اعمام است و اگر زوج یا زوجه با آنها باشد
زوج نصف و زوجه ربع میبرد و با بودن اعمام و عمات یا اخوال
و خالات اولاد هر یک از آنها که باشد ارث نبرند و با عدم وجود
میبرند و مراد اینست که یکنفر از اعمام و عمات موجود اولاد آنها ارث
نمیبرند مگر در یک صورت که پسر عموی پدر و مادری با عموی پدری
تنها جمع شود که در این صورت تمام مال را پسر عمو میبرد

فصل نهم - در میراث زوج و زوجه

چنانچه گفته شد شوهر از زن نصف مال را میبرد در صورتیکه
برای زن اولادی نباشد و الا ربع میبرد و زن از شوهر
ربع میبرد اگر از برای شوهر فرزندی نباشد و الا ثمن میبرد

و اگر زنها متعدد باشند ربع یا ثمن را بتساوی ما بین خود
قسمت کنند و در صورتی زن و شوهر از یکدیگر ارث میبرند
که نکاح بعقد دوام و زن آزاد باشد
و چنانچه ذکر شد زن و شوهر با هر سه طبقه ارث میبرند
و زوج از تمام مال زوجه ارث میبرد بخلاف زوجه که از زمین
ارث نمیبرد چه زمین بیاض باشد یا مشغول بزراعت و عمارت
و نخلستان و در اعیانی از عمارات و اشجار از قیمت آنها ارث میبرد
نه از عین آنها و در بقیه اموال در عین آنها با ورثه شریکست

درس هفتاد و چهارم - فصل دهم

در ولای عتق

ولای عتق آن است که اگر کسی بنده
خود را آزاد کند آنکس از آن بنده ارث میبرد بدو شرط
اول آنکه او را بمیل و رغبت خود آزاد کرده باشد نه برای امر
واجبی چون کفاره و نذر یا بریدن گوش و بینی او
دوم در وقت آزاد کردن آقا خود را از جنایات صادره از
بنده بری نکرده باشد و وقتی معتق ارث میبرد که از طبقات
ارث که گذشت کسی موجود نباشد و زوج و زوجه با معتق

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نصیب اعلای خود را میبرند

فصل یازدهم

(در ولای ضامن جریره)

ولای ضامن جریره آن است که هرگاه شخصی غیر وارث جنایت مرد آزادی را ضامن شود و شرط کند که از او ارث ببرد میبرد در صورتیکه کسی از طبقات ارث و معتق موجود نباشد

ولای امامت

ولای امامت آن است که هرگاه کسی بمیرد و هیچیک از جماعتی که ذکر شد نداشته باشد میراث او مال امام است و در زمان غیبت بمجتهد جامع الشرائط داده میشود که صرف فقراء نماید و زوج و زوجه با ضامن جریره نصیب اعلای خود را میبرند ولی با امام زوج شریک وارث نمیشود چه اگر زوج باشد امام ارث نمیبرد بلکه تمام را زوج میبرد و اما زوجه با امام ربع میبرد و باقی مال امام است

سئوالات

سئوالات امتحانیه

طبقه سیم کیانند؟ - و چند دسته ارث میبرند؟ - عمو با عمه تنها چه ارث میبرند اگر هر دو باشند چه نحو میبرند؟ - دائی با خاله تنها چه میبرند؟ - اگر با هم باشند چه میبرند؟ - هرگاه عمو و عمه با دائی و خاله جمع شوند چه نحو ارث میبرند؟ - اگر زوج یا زوجه با آنها باشد چه میبرد؟ - با نبودن اعمام و اخوال کی ارث آنها را میبرد؟ - مادامیکه اعمام و عمات موجودند اولاد آنها ارث میبرند یا نبرند؟ - زن و شوهر بچه نحو از هم ارث میبرند؟ - زن و شوهر در چه صورت از هم ارث میبرند؟ - زوج از چه مالی ارث میبرد و زوجه از چه؟ - ولای عتق کدام است؟ - شرط ارث بردن بولای عتق چند تا است؟ - ولای ضامن جریره کدام است؟ - ولای امامت در زمان غیبت ارث بکی میرسد؟ - زوج و زوجه با ضامن جریره و امام چه میبرند؟ -

کتبه جمال الدین اصفهانی الاصل

سنه ۱۳۳۵

(مطبعه میرزا علی اصغر بطبع رسید)

یا متغیر باشد که نتوانیم ...

بگذارد و در باقی در هر یك که میخواهد نماز بکند **مسئلة** هرکاه شك کند در نجاس

بعد از یقین بطهارت طاهر است و هرکاه شك در طهارت کند بعد از یقین بنجاس

نجس است و هرکاه از اول شك کند که فلان چیز پاك است یا نجس حکم طهارتست تا یق

حاصل شود و ظن بطهارت بعد از علم بنجاست و همچنین ظن بنجاست بعد از

کفایت نمیکند اگرچه باخبار عادل باشد و قبول قول عدلین نیز محل ا

و قول مالك در طهارت و نجاست مقبول و کافیست **مسئلة** هرکاه دو جامه دارد

نجس و تر و دیگری پاك و خشك و باهم ملاقات کنند انکه پاکست نجس میشود و اگر هر د

خشك باشد نجس نمیشود و هرکاه جامه یا نجس دیکر رطوبتی داشته باشد بنوعی که اثر

و ... نکند مثلا اینکه زمین نجس باشد و کمی رطوبت داشته باشد و جامه بروی آن

اخطار از طرف کتابخانهٔ اقبال

[illegible] کتابخانه [illegible] [illegible]

[illegible] تقاضا [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

تاریخ ایران [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible]

... ad m...

...e de l'élève.

bonne mère a acheté la mule

...e de l'élève

bonne mère a achete la mule

père de l'élève

bonne mère a achète la mule

...ère de l'élève

bonne mère a achete la mule

père de l'élève

Ma mère de l'élève

Ma bonne mère a achete la m...

du père de l'élève